



نگار

فصلنامه برونمرزی کودکان و نوجوانان (افغانستان) (آموزشی و معلوماتی)

نشریه بنگاه نشراتی شاهمامه، هالند

شماره ششم، سال دوم، بهار ۱۳۸۵ خورشیدی، مارچ ۲۰۰۶ مسیحی

گزیده های این شماره:

- صفحات آموزشی، سرگرمی ها و سرود ها
- ویژه کودکان
- صفحات آموزشی،
- جوانه ها، گزینه های شعروسرگرمی
- برای نوجوانان
- علل پیدایش رنسانس، فرهود،
- ویژه نوجوانان
- برگی از ادبیات معاصر افغانستان
- ویژه نوجوانان
- از سالار عزیزپور،
- درست بنویسیم، استاد لطیف ناظمی
- ویژه نوجوانان و بزرگسالان
- سقوط استیلاي خارجی و تاسیس دولت های مستقل
- ویژه نوجوانان
- افغانستان،
- اصول تدریس زبان مادری برای اطفال و نوجوانان دور
- از میهن، فاروق سروش،
- ویژه بزرگسالان
- بستری شدن کودکان در بیمارستان،
- ویژه بزرگسالان
- و چند مطلب دیگر



فریار کبیری نوجوان افغان،

ستاره درخشان دنیای فوتبال در آینده خواهد بود!

”ای بهار اعجاز آفرین!



به برکت برگ درختان سبز نفس آفرینت، دمی با هوای رستاخیز بهاری، افکار خسته، گسیخته و بخواب رفته و ارثان فرهنگ کهنه را تازه کن تا ارواح مرده اندیشه هایی که از روی مصلحت، در دوران رکود زمستانهای سرد و پی در پی از خود بیگانگی، به یقین مبدل شده اند، از هم فرو پاشند و بخود شناسی و نو اندیشی رستگاری یابیم تا "خانه تکانی فکری" بر ما سهل گردد و از باز شناسی فرهنگی به رنسانس فرهنگی، باز آفرینی و از نو آفرینی برسیم.

ای نوروز نو آفرین!

برای جستجو گرانت یک بال از طبیعت بساز و یک بال از فرهنگ، تا بسوی بام برتر از فلک، آنجا ها که آزادی اندیشه را گستره بی نهایت است و آنجا ها که عشق و نیکی حکمفرماست، همت پرواز یابند.

و در پایان ای نوروز!

ترا نیز با شناختی که شایسته درک و دریافت تست، از نو برکت می‌دهیم و در سفر همیشگی نوسازی و آفرینندگی ات تا نوروز دیگر، و تا دورانهای بی پایان، بخت جوان یارت و خورشید نگهدارت.

سال نو

سپرد و نه چنانکه سپردو هشت
خواهد از پیش ذهن ما بگذشت
دست ما بر جبین آن چه نوشت؟
قلب ما با زمان رفته چه کرد؟
گر تو صنعتگری بُدی استاد
صنعت تو به ملت تو چه داد؟
از چه بیچاره ای به خاک افتاد
زیر تیغ تو بودی ...
آی طفل فریب خورده ی خام!
مانده منکوب فکر خویش مدام!
تو یقین داری آنچه نیست چو دام
دام بر راه افتخار تو هست؟
هان در این گیر و دار لیل و نهار
می فریبد زمان ترا، هشدار
که چه حاصل شدت در آخر کار
ز آن همه فکر ها که کردی تو
تو که در کار تازه بنیادی
خانه ی خویش را صفا دادی
شرم بادت به نام آبادی
خانه ی فکر را صفا ندهی

نیما یوشیج

لاهیجان، اول فروردین ۱۳۰۹

به گرامیداشت از حلول سال نو خورشیدی، برگی از دیباچه گرانبهای "نوروز، انگیزه و رسالت فرهنگی"، نوشته بشیر عزیزی را برای خوانندگان ارجمند برگزیده ایم.
یادداشت ها در مورد این کتاب: چاپ نخست، خزان ۱۳۸۲ خورشیدی، ISBN: 90-9017793-0، همکار صفحه آرایی و چاپ، بنیاد نشراتی "شاهنامه"

<p>Nehal An Educational & Informational Quarter Magazine for Afghan Children Abroad.</p> <p>License Holder: SHAHMOAMA (Afghan Publication Center in Holland)</p> <p>Editor in Chief: Manizha Naderi Assistants: Eqlima Paryan & A. Faqiri</p> <p>www.shahmoama.persianblog.com E-mail: shahmoama@yahoo.com shahmoama@hotmail.com</p> <p>GSMobile: 31(0)641375638</p>	<p>قیمت تک شماره ۴ یورو وجه اشتراک سالانه: - در هالند ۲۰ یورو - در خارج از هالند ۳۰ یورو (مصارف پستی به دوش اداره نهال است.) مراکز تماس برای بدست آوردن نشریه در بازار بیفروایک:</p> <p>Hanif Bakhtari Zaal 35, Shop#35028 Tel.0653899931 Z. Patan, #617, Zaal 25 Tel. 0626754900</p> <p>و یا بنگاه نشراتی "شاهنامه" شمارهء پانکی:</p> <p>Stg. Shahmoama (Centrum voor Grafische Vormgeving) Giro: 2997637 Postbank</p>	<p>نهال فصلنامه برون مرزی کودکان و نوجوانان افغانستان (نشریه آموزشی و معلوماتی) صاحب امتیاز، ویرایش و چاپ: بنگاه نشراتی "شاهنامه"، هالند مدیر مسوول: منیژه نادری همکاران: اقلیما پریان و ع. فقیری</p> <p>هینت تحریر در ویرایش مطالب خود را آزاد میدانند. مطالب فرستاده شده به اداره نهال وایس نمی شود. مسئولیت محتوی مطالب به دوش نویسندگان است. چاپ بخشهای نهال با حفظ نام مجله و امتیاز به بنگاه نشراتی "شاهنامه" در هر نشریه آزاد است.</p>
---	--	--



درس دوم:

کلمه:



انگور

انگور

انگور

کلمه:

سرخ

سرخ

سرخ

کلمه:

سفید

سفید

سفید



جمله کامل:

انگور سرخ است.

انگور سرخ است.

انگور سرخ است.

انگور سفید نیست.

انگور سفید نیست.

انگور سفید نیست.

تمرین کلمه: این کلمات را روشن کنید:

انگور سرخ است.

انگور سرخ است.

انگور سرخ است.

انگور سرخ است.

انگور سفید نیست.

انگور سفید نیست.

انگور سفید نیست.

انگور سفید نیست.



تمرینها

۱- از هر یک از این دسته حروف یک کلمه بسازید.

مثال: ا ن گ - و ر ا ن گ و ر

س ر خ

ا س ت

ا ن گ و ر

س ف ی د

ن ی س ت

ا س پ

س ر ی ا ه

۲- از هر دسته از حروف کلمه بسازید.

س ر خ ر

س ا ت

ن گ ا ر و

س د ف ی د

س ن ا ی

س ا پ

س ر ی ه ا

۳- این کلمه ها را تکمیل کنید.

مثال: _ ن گ و ر _ ا ن گ و ر

ا ن گ و _ ، _ س ر

س ف ی _ ، _ ن ی س _

س ت _ ، _ ن س ت

۴- این جملات را تکمیل کنید.

مثال: ا ن گ و ر _ ا س ت .

ا ن گ و ر س ر خ ا س ت .

ا ن گ و ر س ف ی د .

ا ن گ و ر _ ن ی س ت .

ا س ت .

ا ن گ و ر _ ن ی س ت .

س ر خ _ .

س ف ی د _ .

ن ی س ت .

ا س ت .

۵- زیر جملات درست خط بکشید.

انگور است سرخ.

سفید نیست انگور.

انگور سفید نیست.

سرخ نیست انگور.

انگور سرخ است.

است سرخ انگور.

است انگور سرخ.

انگور سفید نیست.

نیست سفید انگور.

است سیاه اسپ.

اسپ سیاه است.

سیاه اسپ است.

سفید انگور نیست.

انگور سفید نیست.

است سرخ انگور.

انگور سرخ است.

۶- حال جملات درست بالا را از یاد در کتابچه های تان بنویسید.

۷- شماره مربوط هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

انگور (۱)، سرخ (۲)، سفید (۳)،

است (۴)، نیست (۵)

سرخ است.

نیست.

انگور است.

انگور نیست.

انگور سرخ.

انگور سفید.

۸- این جملات را درست بنویسید.

است انگور سرخ

سفید نیست انگور

است سیاه اسپ

درس دوم:



کلمه:

آهو

آهو

آهو

کلمه:

نسواری

نسواری

نسواری

کلمه:

آبی

آبی

آبی

جمله کامل:

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو نسواری است.

آهو نسواری است.

آهو نسواری است.

تمرین کلمه: این کلمات را روشن کنید:

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو آبی نیست.

آهو نسواری است.

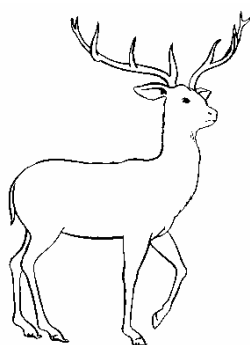
آهو نسواری است.

آهو نسواری است.

آهو نسواری است.

آهو نسواری است.

آهو نسواری است.



تمرینها

۱- از هر یک از این دسته حروف یک کلمه بسازید.

مثال: آ ه و آهو

آ ب ی

ن ی س ت

ن س و اری

س د ف ی د

ا س ت

س ر خ

ا ن گ و ر

۲- از هر دسته از حروف کلمه بسازید.

ه آ و

آ ی ب

ت س ن ی

و آ ه

ن س ر ی و ا

گ و ر ا ن

ر خ س

۳- این کلمه ها را تکمیل کنید.

مثال: ه و آهو

آ ه ، آ ب

ن س و ا ر ی ، ن ی ت

ن س ا ر ی ، آ و

۴- این جملات را تکمیل کنید.

مثال: آهو _____ است.

آهو نسواری است.

آهو نسواری _____ .

آهو _____ نیست.

_____ است.

آهو _____ نیست.

_____ آبی _____ .

_____ نسواری _____ .

_____ نیست.

_____ است.

۵- زیر جملات درست خط بکشید.

نسواری آهو است.

است نسواری آهو.

آهو نسواری است.

نیست آبی آهو.

آهو آبی نیست.

آبی آهو نیست.

انگور سرخ است.

است سرخ انگور.

انگور سفید نیست.

نیست سفید انگور.

اسپ سیاه است.

سیاه اسپ است.

سفید انگور نیست.

آهو آبی نیست.

نسواری است آهو.

آهو نسواری است.

۶- حال جملات درست بالا را از یاد در کتابچه های تان بنویسید.

۷- شماره مربوط هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

آهو (۱)، آبی (۲)، نسواری (۳)،

است (۴)، نیست (۵)



نسواری است.

نیست.

آهو نسواری

آهو نیست.

آهو آبی

آهو است.

۸- این جملات را درست بنویسید.

است آهو نسواری

آبی نیست آهو

است سرخ انگور

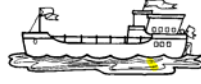
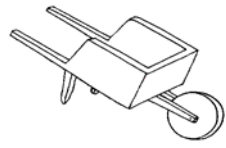


گِرَدَکِ گِرَدَکِ دو ابرو

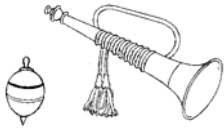
1	2	3
4	5	6
7	8	9
10	11	12

بیایید فارسی بیاموزیم!

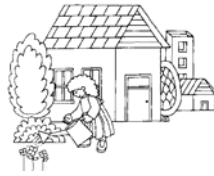
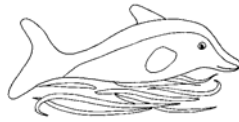
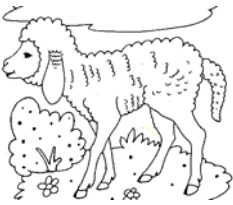
پیوسته به شماره های گذشته



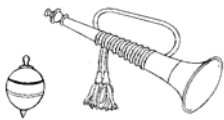
ک کشتی
ک کدو
ک کراچی



م مرغک
م مردم
م ترم



ه بره
ه ماهی
ه خانه



ت ترم
ت موتر
ت کشتی

ک

کشتی

م

مرغک

ه

ماهی

کنو

مردم

ت

ترم

کراچی



کودکان عزیز، از نخستین شماره نهال به این سو در این بخش با حرف های **آ-ب-ت-ج-ر-ز-د-س-ش-ک-ل-م-ن-و-ه** آشنا شده اید. با استفاده از همین حروف جملات زیر را برای شما تهیه دیده ایم. کوشش کنید که حرف های هر یک از جملات را بشناسید و در سطر مقابل آن بنویسید. سپس هر جمله را دو بار در کتابچه های تان بنویسید.



- بابا آب داد.
- نوروز روز اول سال است.
- چای سرد شد.
- مادرم مهربان است.
- دیروز باران بارید.
- برادر چالاک دارم.
- ماهی چوچه را دیدم.
- درس مشکل بود.
- مکتب ما میز و چوکی دارد.
- شهرک ما کوچک است.
- چادرِ مادر را شمال برد.
- از شیر می ترسم.
- هر روز شیر می نوشم.
- کیک مزه دار است.
- کلاه زرد دارم.
- لبلبو شیرین است.

حرفهای واژه های زیر را در خانه های خالی به ترتیب بنویسید.

← مرد

← کابل

← درد

← کشور

← کل

← موش

← یاد

← کم

چشمه های آبی



محمد حسین محمدی

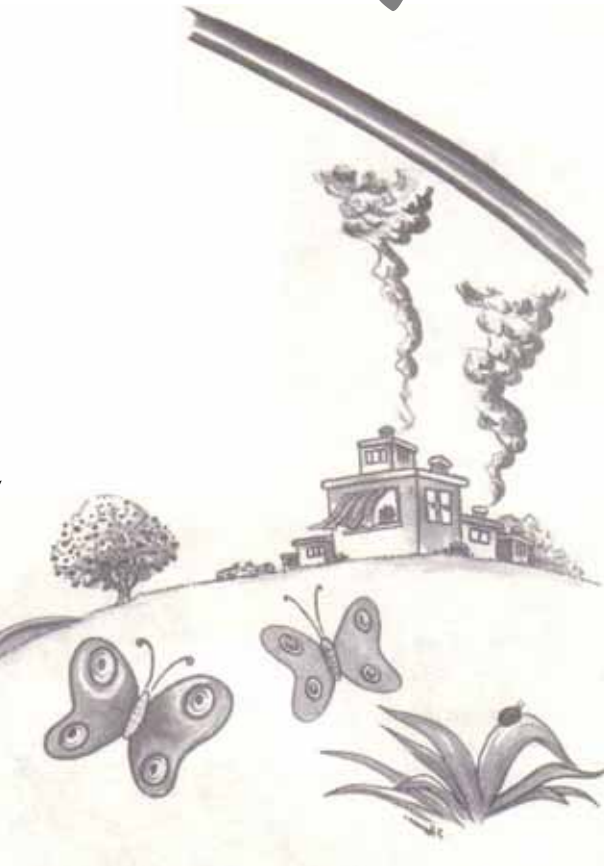
برگرفته از مجموعه "لی لی لی لی موزیک"

بهار در ده ما...

در ده ما به روی گندمزار
روز ها آفتاب می خندید
تک درخت تناور ده نیز
عکس خود را در آب ها می دید

عصر ها با صدای چشمه ده
پونه ها نیز هم صدا بودند
آب هم رنگ مردم ده بود
مردم ده، چه با صفا بودند

در ده ما کلاغ از گنجشک
کینه در دل نداشت، می دانم
گاه مانند برگ های زرد
همصدا با کلاغ می خوانم



پروین پژواک، ۱۳۶۶، کابل.

با بهار برو

بهار آمد

به دشت برو

لاله ببین، لاله ببوس

بهار آمد

به کوه برو

چشمه ببین، چشمه ببوس

بهار آمد

به باغ برو

سبزه ببین، سبزه ببوس



تصویر کران: پروین پژواک و هژیر شینواری

آیا می فهمی؟

- با استفاده از واژه ها زیر، خانه های خالی را پر سازید.

گندم - گلاب - نوروز - سبزه - نان

۱- برای مادرم _____ سفید دادم.

۲- نخستین روز سال را _____ می گویند.

۳- از _____ آرد می سازند و از

آرد _____ می پزند.

۴- در روز های اول سال _____ ها سبز می شوند.

- نام یکی از سبزی ها است. تازه آن نیز پیدا می شود. مزه تند دارد و حرف اول آن **م** است. آن را پیدا کنید. ()

- در نام کدام میوه ها و سبزی ها حرف **ک** وجود دارد؟

- آن کدام حرف است که در "روز" و در "راه" و در "مزار" پیدا می شود. ()

- کدام حرف ها در هر دسته از کلمه ها مشترک اند؟

۱- کشمش، کشور، شکار (-)

۲- مار، ریسمان، مادر (-)

۳- سفر، صفر، برف (-)

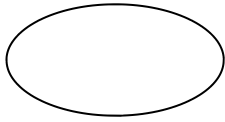
۴- نوروز، نور، بیرون (- -)

۵- تیر، تیشه، تیل (-)

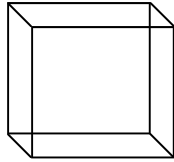
- شماره هریک از اشکال هندسی زیر را در قوس مربوطه آن بنویسید.

۱- کُرِه ۲- مکعب

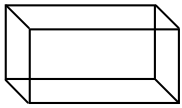
۳- مکعب مستطیل ۴- بیضوی



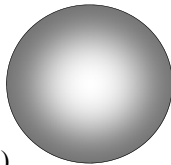
()



()



()



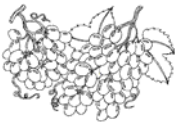
()

- جمله های زیر را تکمیل کرده بخوانید.

علف می خورد.



خوشه دارد.



درس می خوانند.



گل خود روی است.



مسافر می برد.



تیز می دود.





برگرفته از سلسله مشترک UNESCO و پروژه های تعلیمی BBC برای افغانستان
ناشر: اداره نشراتی افغان (انا)
مدیر مسئول: شیراز الدین صدیقی
نقاش: صدیق ژکفر
نویسندگان: طیبه سهیلا، احمد تکل

قصه شیر و چوبشکن

ارسالی: بانو طیبه سهیلا

نهال، شماره ششم، صفحه ۱۲، ویژه کودکان



خاله بس بی بی امشب برای اطفال ده بالا قصه شیر و چوبشکن را می گوید. در جنگل نزدیک ده، یک شیر تنها زنده گی می کند، او هیچکس ندارد و از این خاطر بسیار غمگین است. در یکی از روز ها چوبشکن به جنگل می آید و در گوشه یی می نشیند.



چوبشکن را خواب می برد، و پس از ساعتی بیدار می شود و می بیند که یک شیر در مقابلش نشسته است. چوبشکن از دیدن شیر میترسد و بیهوش می شود. شیر در کلاه چوبشکن از چشمه آب می آورد و آب را به روی چوبشکن می زند. چوبشکن به دوباره هوش می آید. شیر به چوبشکن پیشنهاد دوستی می کند.



شیر شکار می کند و چوبشکن کار. شیر از گوشت شکار برای چوبشکن جدا می کند و چوبشکن با پشتاره چوب و گوشت شکار به خانه می رود. زن چوبشکن از گوشت شکار شوربا می پزد و همه یکجا می خورند.



چوبشکن می خواهد شیر را به خانه اش مهمان کند، اما زنش می ترسد. بچه های چوبشکن مادر را به آمدن شیر راضی می سازند و چوبشکن شیر را به خانه اش مهمان می کند. شیر به خانه چوبشکن می رود.



بچه های چوبشکن از شیر با خوشی استقبال می کنند. زن چوبشکن آش پخته می کند.



شیر نمیداند که آش را چطور بخورد. دختر چوبشکن برای شیر پیشبند می آورد. شیر برای بچه ها قصه می گوید. شیر در بیرون می خوابد.



شیر و چوبشکن پس به جنگل می روند. پای شیر با تبر زخمی می شود و چوبشکن پای شیر را بسته می کند، ولی به شیر می گوید که دهنش بوی بد می دهد. شیر از گپ چوبشکن می رنجد.



زمستان می شود و چوبشکن به جنگل رفته نمی تواند. شیر در لانه اش تنها می ماند تا باز بهار می شود و چوبشکن از زخم پای شیر می پرسد.



شیر با خشم می گوید: ”زخم تبرت جور شده، مگر زخم زبانت نی. چوبشکن با پشیمانی از جنگل می برآید و ...

خاله بس بی بی می گوید: راستی که زخم تبر جور می شود اما زخم زبان نی!

آموزش زبان برای بزرگسالان

از پروفیسور ابراهیم سروش منشی زاده

با ابراز سپاس از محترم استاد سروش که کتابهای ارزشمند "آموزش زبان دری برای بزرگسالان" را در اختیار "نهال" گذاشته اند، یاد آور می شویم که این کتاب بر علاوه رهنمای معلم، در دو جلد "آموزش" و "بخش تمرینات" تهیه شده است و ما درس های بخش "آموزش" و "تمرینات" را پی هم در این برگه ها ترتیب می دهیم. این سلسله در شماره های آینده دنبال می شود. سلسله این کتابها به زودی به شکل مکمل با همکاری نهاد "شاهنامه" به نشر خواهد رسید.

نهال، شماره ششم، صفحه ۱۴، ویژه نوجوانان

درس اول

الف کوتاه در اول کلمه:

دانش: انور، انگور، انار، ابر، اسپ، الماری

خوانش: انور جوان است.

انگور شیرین است.

ابر سفید است.

گفت و شنود: انور: شما الماری دارید؟

احمد: بلی، یک الماری قشنگ

انور: در الماری چه دارید؟

احمد: یک قاب انگور و انار

انور: اسپ شما جوان است؟

احمد: بلی سفید است.

انور: ابر چه رنگ است؟

احمد: ابر سیاه و سفید است.

نگارش: این کلمات را بالای چهار خط بنویسید:

انور، انگور، انار، اسپ، ابر، الماری

انور، انگور، انار، اسپ، ابر، الماری

مشق: این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید:

انور، انگور، انار، اسپ، ابر، الماری

۱- _____ قشنگ است. ۲- _____ شیرین است.

۳- _____ ترش است. ۴- _____ جوان است.

۵- _____ سفید است. ۶- _____ بزرگ است.

املا: این جملات را بعد از خواندن معلم روی کتابچه های خود بنویسید:

الماری قشنگ است. اسپ جوان است.

انار شیرین است. انگور ترش است.

اسپ جوان است. ابر سفید است.

تمرینات درس اول:

۱- از حروف داده شده یک کلمه بسازید. مثلاً ج، ا، ن - جان

ا، ن، و، ر _____ ا، ن، گ، و، ر _____

ا، ن، ا، ر _____ ا، ب، ر _____

ا، س، پ _____ ا، ل، م، ا، ر، ی _____

۲- این کلمات را تکمیل کنید. مثال: ا-ان امان

ا-پ _____ ا-ماری _____ ا-ن-ور _____

ا-ار _____ ا-ر _____ ا-ور _____

۳- کلمه های داده شده را در جاهای مناسب این جملات به کار برید: جوان، پیر، سفید، بزرگ، سیاه، ترش، خورد، شیرین

انور _____ است. انور _____ نیست.

انگور _____ است. انگور _____ نیست.

ابر _____ است. ابر _____ نیست.

الماری _____ است. الماری _____ نیست.

۴- از هر یک از این دسته کلمات در کتابچه های تان یک جمله بسازید:

مثال: آب، مینوشم، بسیار، من من بسیار آب می نوشم.

- قندهار، دارد، شیرین، انار

- هرات، است، بسیار، خوب، انگور

- امروز، می بارد، باران

- ساخته، الماری، شده، و، آهن، چوب، است

- ما، وطن، است، افغانستان

- است، بهار، زیبا، فصل

- سفید، ابر، است، سیاه، و

- بدخشان، است، شیرین، سیب

- است، سرد، زمستان، افغانستان

- افغانستان، مرز، ندارد، با بحر

- می کند، کشت، گندم، دهقان

- بته، دارد، جواری

۵- این کلمات را به صورت درست روی چهار خط بنویسید.

احمد، اشرف، اسلم، انار، انگور

۶- بخش دستور زبان:

جملات زیر را به شکل منفی بنویسید. مثال: کار مشکل نیست.

- انور جوان است. انور پیر _____

- اسپ کلان است. اسپ خورد _____

- انگور شیرین است. انگور ترش _____

- انار قندهار شیرین است. انار قندهار ترش _____

بخوانید و بخندید

فرستنده: آرزو یونس، استرالیا

- معلمی برای شاگردانش گفت: "اگر شما هر سوالی کردید و من جواب داده نتوانستم، برای شما ۱۰۰ دالر می‌دهم و اگر من سوال کردم و شما جواب داده نتوانستید، من از شما ۵ دالر می‌گیرم." یکی از شاگردان از جا برخاسته و از معلم پرسید: "آن کدام حیوان است که با سر راه می‌رود." معلم مکثی کرده گفت: "نمی‌فهمم." شاگرد: "پس صد دالر می‌دهید؟" معلم برایش صد دالر داد و گفت: "جواب سوالت را بگو." شاگرد گفت: "معلم صاحب، خودم هم نمی‌فهمم. این پنج دالر خودت!"

- پسری پولش را گم کرده بود در زیر چراغ کوچه پی می‌پالید. شخصی از او پرسید که چه می‌کند. پسرک گفت: "پیسسه خود را در کوچه خود گم کرده ام، آن را می‌پالم." آن شخص گفت: "پس اینجا چه می‌کنی؟ برو پیسسه ات را در کوچه خود بیال!" پسرک: "کوچه ما چراغ ندارد، از این خاطر من آن را در اینجا می‌پالم."

- شبی ملا نصر الدین خانمش را از خواب بیدار کرد و از او خواست که عینک هایش را بیاورد. خانمش پرسید که در این نیمه شب عینک‌ها را چه می‌کنی؟ ملا گفت: "خواب‌های بسیار خوب می‌دیدم ولی در بعضی جاها تاریکی بود، نمیتوانستم خوبتر ببینم. تصمیم گرفتم تا عینک‌ها را بپوشم که خوبتر ببینم."

- از خر پرسیدند، چرا گوشه‌هایت دراز است؟
در جواب گفت: "هر زیبا یک عیب دارد!"

- پسری یک دالر خود را گم کرده بود و گریه می‌کرد. شخصی از او پرسید که چرا گریه می‌کند. پسرک گفت: "یک دالر خود را گم کرده ام." آن نفر از جیب خود برایش یک دالر داد؛ ولی پسرک دوباره به گریه شروع کرد. آن نفر باز هم پرسید پس چرا حالا گریه می‌کنی؟ پسرک گفت که اگر یک دالر خود را گم نمی‌کردم، حالا دو دالر میداشتم.

دانستنیها

برگرفته از کتاب "رهمنون"
گرد آورنده: غلامحسین ذوالفقاری
- آدمی برای شک کردن آفریده نشده، برای پرسیدن آفریده شده. یانگ
- آدمی شاگردی است که درد و اندوه او را تعلیم میدهد و هیچکس بدون احساس این معلم، قادر به شناسایی خود نیست.
- از هر ابله‌ی می‌توان چیزی آموخت.
محمد حجازی
- با اندیشه آشفته دانش آموختن در گرد باد، آتش افروختن است. رومارسس
- تمرین انسان را استاد می‌سازد.
مثل آلمانی
- در راه ترقی فرهنگ باید کوشید و نخستین قدم ترک کهنه پرستی است.
خانلری
- دو گرسنه هرگز سیر نشوند، گرسنه علم و گرسنه مال. حضرت محمد
- کرّان واقعی کسانی اند که نمیخواهند بشنوند. مثل افریقایی
- مایلم فرهنگ تمام کشورها از آدانه در اطراف خانه ام بوزد. ولی اجازه نمیدهم که بر اثر وزش چنین نسیمی از پای کنده شود. گاندی
- معلوماتی که در کودکی فرا گرفته می‌شود، مانند نقش در سنگ پدیدار می‌ماند. مثل تازی
- هرگز مردی ولو بسیار نادان را ندیدم که از وی چیزی نتوانسته ام بیاموزم. گالیله

جالب و حیرت انگیز

از کتاب عجایب جهان، گرد آورنده محمد نعیم بهار

- کرسنتین اپردین برای مدت سی سال ملکه پولند بود. جالب این است که وی در تمام این مدت برای یک بار هم به سرزمین پولند قدم نگذاشت.
- طولانی‌ترین سفر به روی دو دست را در سال ۱۹۰۰ میلادی، یک اطریشی به نام یوهان هورلینگر انجام داد و مسافت میان ین و پاریس را روزانه ده ساعت به روی دست در مدت ۵۵ روز به پایان رساند.
- در سال ۱۹۷۰ میلادی برای نخستین بار یگانه دانشگاه متحرک جهان در یک کشتی بزرگ توسط کوتین الیزابت افتتاح گردید. این کشتی در سواحل هانگ کانگ قرار دارد و نام این دانشگاه سی وانزمیرین می‌باشد.
- در سال ۱۹۵۴ میلادی در یکی از مناطق کولمبیا (در چهل کیلومتری یوگیتا) معبدی از نمک ساخته شد که مساحت آن پنجاه هزار فت مربع است.
- در زمانه‌های قدیم، مصری‌ها بوت‌هایی به پا می‌کردند که در کف زیرین آن عکس یکی از دشمنان شان منقش می‌بود. به این ترتیب آنها معتقد بودند که در هر قدم دشمن خود را لگدمال می‌کنند.
- در افریقا یکنوع درختی وجود دارد که اگر موجودات زنده در نزدیک آن بیایند، بدون شک برگ‌ها و شاخه‌ها و برگ‌های این درخت، آن موجود را پوشانیده و خونش را می‌مکد. گفته میشود که این نوع درخت سالیان زیاد عمر می‌کند.
- در کوچه و بازار شهر بنکاک سگ‌هایی دیده می‌شوند که از مردم پیسسه و اشیای خیراتی جمع‌آوری می‌کنند و مردم را به حیرت آورده‌اند. این سگ‌ها در کوچه و بازار در دهن شان کاسه‌های خاص‌گدایی را گرفته و از مردم برای مالکین خود پول جمع می‌کنند. در بعضی جاها این سگ‌ها در پهلوی کاسه خود نشسته و از رهگذران با صدای خاص پول درخواست می‌کنند.



سپری کرده ایم، فکر کنیم و تصمیم بگیریم که در سال نو، کارهای سودمند و با ارزش کرده و از وقت خود استفاده درست کنیم.

مژگان: معلم صاحب، شما گفتید که در گذشته ها مردم به سر و روی یکدیگر آب میزدند، این کار نزدشان چه مفهوم داشت؟



مردم آب را نشانه پاکی، روشنایی و مراد می دانستند و تا هنوز اگر کسی آب شفاف و روان را در خواب ببیند، آن را فال نیک می گیرد.



چرا در نوروز تخم جنگی می کنند؟



معلم: مردم تخم را نشانه زایش و زندگی می دانند.

وژمه: معلم صاحب، ماهی که سبز نیست، آن را چرا در گذشته به نوروز ارتباط می دادند؟



آنها تصور داشتند که با خوردن ماهی، ماه حوت و فصل خنک به



زودی برگشت نمی

کند. ولی در بعضی از

کشور ها ماهی سرخ را در

ظرف شیشه ای روی سفره

هفت سین می گذارند و

تصور می شود که چون



نوروز سر آغاز زندگی دوباره طبیعت است، شاید شامل ساختن ماهی زیبای سرخ نشانی از این مفهوم باشد؛ اما دقیقاً معلوم نیست که چرا این ماهی زیبا زینت سفره هفت سین شده است.

خوب شاگردان عزیز، من برای شما برگه یی تهیه کرده ام که دانستن آن را برای تان ضروری می دانم.

معلم: شاگردان روز به خیر! همه خوب استید؟



شاگردان: روز به خیر، تشکر خوب استیم.

معلم: امیدوارم روزهای گذشته را به خوشی سپری کرده باشید. امروز کی غیر حاضر است؟

شاگردان: کسی غیر حاضر نیست، همه حاضر استیم.

بسیار خوب، من امروز در مورد نوروز با شما صحبت می کنم.



جشن نوروز که برابر به آغاز بهار و شروع سال خورشیدی است، از گذشته های بسیار دور در کشور ما و کشور های همسایه ما ایران، عراق، قسمتی از ترکیه، تاجیکستان و شمار دیگری از کشور های آسیای میانه و پارسیان هند برگزار می شود. این جشن در سرزمین ما، آریانای بزرگ سال ها قبل از آمدن اسلام برگزار می شد و فردوسی شاعر بزرگ قرن چهارم آغاز این جشن را از زمان جمشید پادشاه می داند. در دوره های بعد از اسلام نیز نوروز با شکوه بسیار تجلیل می شد. شاهان غزنوی نوروز را هفت روز تجلیل می کردند.

مردم مناطق مختلف، نوروز را با رسم و رواج های مختلف جشن می گیرند. در افغانستان این روز را با بلند کردن جنده زیارت سخی، نهال شانی، نمایش

مالداری و مواشی، تخم جنگی، میله گل سرخ (در مزار شریف)، سبزه لگد کردن، پوشیدن لباس نو و پاک برگزار می کنند. همچنان خانواده ها،

غذا های ویژه نوروز را مثل سمنک، هفت میوه، سبزی، و کلچه نوروزی تهیه می کنند.

در نوروز، سبزه نورسته نشانه سرسبزی، خوشبختی و کامیابی است. همچنان در گذشته ها به سر و روی یکدیگر آب می زدند و سفره "هفت سین" تهیه میکردند. بعضی ها ماهی می خوردند.

مهمترین پیامی را که این روز خجسته برای ما می آورد، پیام "تو شدن" است. یعنی ما باید بکوشیم، آنچه را که در گذشته شایسته خود نیافته ایم، در سال نو و در آینده تکرار نکنیم، تمام کینه ها و کدورت های گذشته را دور بگذاریم و به زیبایی های زندگی بیندیشیم؛ به وقت و زمانی که در گذشته بی فایده

به جملات زیر توجه کنید:

- نجار از چوب و وسایل نجاری، لوازم خانه میسازد.
- دهقان در زمین دانه ها و حبوبات را کِشت می کند.
- کارگر در فابریکه کار می کند.
- باغبان نهال غرس میکند و گل ها را پرورش می دهد.
- رنگمال در دیوار خانه ها را رنگ می کند.
- راننده موتر می راند.
- زرگر از فلزات و سنگ های قیمتی زیورات میسازد.
- چوپان رمه را به چراگاه می برد.
- خراط چوب را چرخ میکند و با آن انواع سامان آلات چوبی می سازد.
- آهنگر وسایل فلزی می سازد.
- سلمان مو ها را اصلاح می کند.
- آرایشگر سر و صورت را آرایش می دهد.
- مسگر از برنج، مس و بعضی فلزات دیگر ظرف های فلزی و وسایل می سازد.
- صفا کار جایی را پاک می کند.
- نفر اطفائیه آتش را خاموش می کند.
- پاسبان یا محافظ از یک جای نگهبانی می کند.
- مدیر و یا رییس، یک اداره یا موسسه را سرپرستی میکند.
- رییس جمهور یک کشور را رهبری می کند.
- والی یک شهر بزرگ را سرپرستی می کند.
- کسی که بازی دو تیم را بررسی می کند، او را حَکَم بازی می گویند.
- کسی که مسئولیت یک کلب ورزشی را دارد، او را مسئول کلب گویند.
- کسی که ورزش می کند، او را ورزشکار می گویند.
- معلم (آموزگار) شاگردان را آموزش می دهد.
- شاگرد (دانش آموز) درس می آموزد.
- خبرنگار خبر و گزارش تهیه می کند.
- مهندس نقشه خانه ها و عمارت ها را می سازد.
- داکتر (پزشک) مریضان را تداوی می کند.
- نرس (پرستار) مریضان را کمک و پرستاری میکند.
- پیلوت (خَلبان)، طیاره (هوا پیما) را پرواز می دهد.
- انجنیر با تخنیک سر و کار دارد.
- کسی که در یک رشته تخصص دارد، او را استاد میگویند.
- کسی که در یکی از هنر ها مهارت زیاد داشته باشد، او را هنرمند می گویند.
- کسی که آواز می خواند، او را آواز خوان می گویند.
- کسی که در هنر رسامی و نقاشی مهارت دارد، او را نقاش گویند.
- کسی که مجسمه می سازد، او را مجسمه ساز گویند.
- کسی که در یک رشته تحقیق و پژوهش می کند، او را پژوهشگر می گویند.
- کسی که آثار قدیم را می شناسد، او را باستان شناس می گویند.
- کسی که در رشته روانشناسی دانش دارد، او را روانشناس می گویند.

- کسی که در امور سیاست سر و کار دارد، او را سیاستمدار می گویند.
- کسی که علم سیاست را آموخته است، او را سیاستدان گویند.
- کسی که علم کیمیا می فهمد، او را کیمیا دان گویند.
- کسی که دانش ریاضیات دارد، او را ریاضیدان گویند.
- کسی که تاریخ می نویسد، او را تاریخنگار یا مؤرخ گویند.
- کسی که در علم زبان آگهی بسیار دارد، او را زبانشناس می گویند.
- کسی که در مورد علم ستاره شناسی (نجوم) معلومات فراگیر دارد، او را منجم یا ستاره شناس گویند.
- کسی که شعر می نویسد، او را شاعر می گویند.
- کسی که داستان می نویسد، او را داستان نویس گویند.
- کسی که در مورد خوبی ها و کاستی های یک اثر مینویسد، او را منتقد یا نقاد گویند.
- کسی که آشنایی نسبتاً کامل با ادبیات یک زبان دارد و در هنر نویسندگی دست بلند دارد، او را ادیب میگویند.
- کسی که از حق یک شخص در دادگاه (محکمه) دفاع می کند، او را وکیل می گویند.
- کسی که در محکمه قضاوت می کند و حکم صادر می کند، او را قاضی (دادگستر) می گویند.
- کسی که دانش حقوق دارد، او را حقوقدان گویند.
- کسی که در علم فلسفه دانش فراگیر داشته و از خود سوال و اندیشه های نواریه کند، او را فیلسوف می گویند.
- کسی که در یکی از علوم دانش فراوان داشته باشد، او را دانشمند می گویند.
- پرسشها
- فهیمه در یک مکتب زبان درس میدهد. او _____ زبان است.
- احمد در محفل های عروسی آواز می خواند. او را که هنوز تازه به موسیقی روی آورده، می توانیم _____ بگوییم، مگر "هنرمند" گفته نمی توانیم.
- دروازه خانه فریدون شکسته است، آن را _____ ترمیم می تواند.
- در جریان مسابقه فوتبال، اگر اشتباهی از جانب یکی از بازیکنان رخ دهد، _____ آن را فیصله می کند.
- در اثر حفريات _____ در افغانستان، شماری از آثار قدیم بدست آمد.
- در یک محکمه، بعد از این که _____ ها از حقوق دعوا کننده ها دفاع میکنند، _____ فیصله محکمه را اعلان می کند.
- انگشتر مادرم شکسته است. آن را برای ترمیم نزد _____ می بردم.
- برای این سینای بلخی کدام یک از توضیحات بالا صدق می کند؟
- با نام کدام یک از شاعران معاصر آشنا هستید؟

سرگرمی ها و پرسش ها

نوجوانان عزیز! امیدواریم تا با فرستادن مطالب، نقاشی ها و طرح های جالب تان برای بهبود بنشیندن این مجله، ما را یاری رسانید.

نشانی ایمیل ما:

shahmoama@yahoo.com shamoama@hotmail.com

نهای، شماره ششم، صفحه ۱۸، ویژه نوجوانان

- در جدول زیر از پی هم گذاشتن حرف ها به شکل افقی (از راست به چپ و یا چپ به راست) و عمودی (از بالا به پایین و یا از پایین به بالا) نام چند علم را دریابید:

ف	ز	ی	ک	ی	م	ی	ا
ل	ب	ف	ش	ت	و	ض	ج
س	ا	ی	ن	س	ج	ا	ت
ف	ن	پ	ر	ی	ن	ی	م
ه	ن	دس	ه	ز	تا	ر	ا
ج	غ	ر	ا	ف	ی	ه	ع
ط	ب	ی	ع	ت	خ	ف	یات

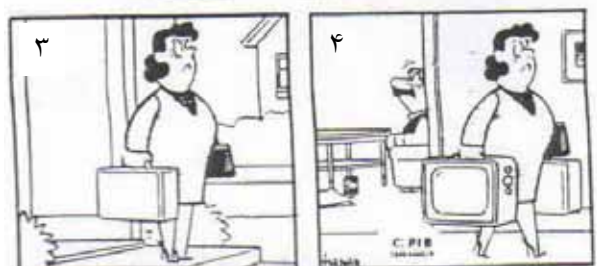
- از این حرفها چند واژه ساخته می توانید؟ استعمال حرفها به تکرار مجاز است:

ژ ل ا ه ف ر گ م س د

- واژه های هم مفهوم را به هم وصل کنید.

وسیع	خنک
آغاز	نزاع
سرد	گسترده
گرداگرد	زمان
جنگ	ابتدا
وقت	پیرامون

- در تصاویر زیر چه می بینید؟ آن را بازگو کنید.



- خوراکی هایی را که مردم افغان در شب و روز سال نو صرف می کنند، نام بگیرید.

- در تهیه "هفت میوه" از کدام میوه ها استفاده می شود؟
- در مورد رسم و رواج های تجلیل از نوروز چه می دانید؟

- در میان واژه های زیر، کدام یک آنها اگر خلاف ترتیب حروف نوشته شوند، مفهومی را ارایه می کنند.

ریگ ()، کیک ()، قصر ()
بارش ()، لاله ()، سر ()
طرف ()، موش ()، نما ()
نیک ()، دود ()، بت ()

برای حل پرسش های زیر، مراجعه شود به شماره های پیشین نهال.

- زیر واژه های فارسی خط بگیرید:

صوت، دانشگاه، آیسسه، کمپیوتر، ژاله، ظلم
پیدایش، پاجامه، موتر، چشمه، گزارش، علم

- شکل نوشتاری حروف **ع، غ، ص، ض** را در شروع، وسط و آخر کلمات نشان دهید.

- در گذشته های دور، کدام سلسله پادشاهان نوروز را تجلیل می کردند؟

- سبزه نورسته را در نوروز به چه فال می گیرند؟

- افغانستان با کدام کشور بیشترین مرز یا سرحد مشترک دارد و با کدام کشور کمترین مرز مشترک دارد؟
- زبان های مردم افغانستان کدام ها اند؟

- زکریا رازی کی بود و در مورد کشفیات و کارنامه های بزرگ او چه می دانید؟

- واژه "لوگاریتم" از نام کدام بزرگ مرد گرفته شده است؟
- یک رباعی عمر خیام را بخوانید.

- در مورد استاد خلیلی چه می دانید؟

- دوره پیش از تاریخ را دیگر به چه نام یاد می کنند؟

- اسکندر مقدونی در چه زمانی زندگی می کرد و به کدام هدف جانب شرق لشکر کشید؟



به افتخار آغاز
همکاری شاعر
جوآن و پرتلاش

منصور سایه شباهنگ با مجله
نهال، شماری از دوبیتی هایش را
ویژه این صفحه برگزیده ایم:



هزاران خرمن از یک دانه آید
زهر یک دانه گل، گلخانه آید
بهاران با همه نقش و نگارش
به روی بالک پروانه آید

به دستش دشت دشت لاله آمد
به گوشش بع بع بزغاله آمد
به پای نازک و سبز و ظریفش
بهار از بین برف و ژاله آمد

محبت را بیاموز از بهاران
که جان بخشد به خاک و خاره باران
شنیدم مرغی رقصیده می خواند
به سبز شانه های شاخساران

بهارانه ها



و عاشقانه ها



درخت باغ فردا هر نهالی
شود، یابد اگر رشد و مجالی
وگر از مهر و دانش ریشه گیرد
ببخشد میوه های بی مثالی

بهار آمد که با انگشت باران
زند تک تک به دروازه زمستان
و خاک از خواب چندین ماهه خیزد
به دست مهربان بابه دهقان



به لبهای تو لطف لاله زاران
تنت را رنگ و بوی نو بهاران
ندیدم شاعری چون چشمه‌ایت
کنی با یک نگاه شعر باران



به کابل جان هنوز عشق و قشنگیست
به کابل جان هنوز کبکان جنگیست
به کابل جان هنوز خیل کبوتر
به کابل جان هنوز مرغ کلنگیست

ز هر کی پهلوان، تو پهلوانتر!
ز هر کی قهرمان، تو قهرمانتر
کنی یک قهرمانی دیگر ای کاش:
شوی یک ذره با من مهربانتر

هنوز آن آسمانش پاک و آبیست
و نبض کوچه اش دست ربابیست
هنوز بوی خوش کاهگل به کابل
به بام کلبه های آفتابیست

دوبیتی: نوعی از شعر است که دو بیت و یا چهار مصراع دارد و مانند رباعی مصراع های اول، دوم و چهارم آن هم قافیه اند اما وزن آن با وزن رباعی فرق دارد و بر وزن لاجول ولا قوه الا بالله نیست. در بیشترین آهنگ های محلی و فلکلور ما از دوبیتی استفاده شده است و معروفترین دوبیتی سرای زبان فارسی بابه طاهر عریان می باشد.

جوانه ها



دوشیزه سوسن خواجه نوجوان با استعداد و پر تلاشیست که توانسته است با تدویر نشست ها و گفتگو هایی با خانواده های خارجی در هالند، گره گوشه یی از مشکلات شان را بکشد. از او در مورد فعالیتها و نشستهایش پرسیدم. در جواب گفت: "من ماه یکی دو بار با خانواده ها به خصوص زنان فامیل های ترک و مراکش در هالند، نشست دارم و در رابطه به مشکلات شان، آنها را کمک میکنم."

از او پرسیدم که بیشترین مشکلات این خانواده ها را چه تشکیل میدهد؟ در پاسخ گفت: "من اکثراً با زنانی مواجه می شوم که از جانب شوهر و یا پسر جوانش مورد خشونت و لت و کوب قرار گرفته است. حتی در این اواخر دختران جوان این خانواده ها نیز در مقابل اعضای خانواده و به خصوص مادر از خشونت کار می گیرند. ما می کوشیم که تا حد امکان مشکلات شان را حل کنیم."

سوسن دانش آموز سال سوم رشته اجتماعی است و در آینده نزدیک در رشته روانشناسی کودک تحصیل خواهد کرد. او با خانواده اش در شهر Helmond

زندگی می کند و همچنان با زبان مادری آشنایی دارد و در این اواخر بر علاوه پی گیری درس های ستاژ دانشکده اش، بخشی از وقت خود را برای فراگیری زبان فارسی اختصاص داده است. برایش موفقیت بیشتر آرزو می کنیم.



فریار کبیری بازیکن ماهر فوتبال شهر لایدن

فریار کبیری فرزند امان کبیری در نوامبر سال ۱۹۹۲ تولد یافته و در ده ماهگی که تازه به راه رفتن آغاز کرد، با توپ سر و کار داشت.

فریار در چهار و نیم سالگی عضویت تیم فوتبال کودکان کلب لایدن را کسب نموده و بعد از تمرینات در پنج سالگی رسماً شامل مسابقات فوتبال خردسالان مکتب خود شد و در تمامی مسابقات گول های زیادی به ثمر رسانیده و حایز مدال ها، کپ ها و جوایز گردیده است. در سال ۱۹۹۹ از طرف فدراسیون فوتبال هالند KNVB شهادتنامه فوتبال را بدست آورد.

فریار که اکنون ۱۳ سال دارد، در تیم C1 کلب فوتبال لایدن به حیث مهاجم باز می کند. وی نظر به مهارتی که دارد، سال گذشته از D1 رسماً به C1 ارتقاء نمود.

فریار در سال ۲۰۰۴ در برنامه ویژه "روز استعداد های خردسالان" که در شهر لایدن برگزار گردیده بود، اشتراک نموده و بعد از ارزیابی تقریباً یکصد بازیکن، مسئولین کلب فوتبال اسپارتای روتردام، موصوف را منحیث بازیکن عالی شناخته و انتخاب نمودند تا در آن کلب بازی نماید. اما با تأسف بنا بر عدم امکانات وسایل و دوری راه نتوانست در این برنامه که به روز های شنبه در شهر روتردام دایر می شد، اشتراک کند. امیدواریم تا در آینده امکانات مساعد گردد تا این ستاره فوتبال آینده افغانستان در کلب های مشهور فوتبال هالند شامل شده و بتواند تحت نظر ترینر های ورزیده کار کند.

این نوجوان با استعداد، با نام کلیه بازیکنان مشهور فوتبال جهان آشنا ست و از قهرمانان سابق به پله برازیلی و بیکن باید آلمانی و یوهان کروف هالندی و از قهرمانان فعلی به زیدن فرانسوی، رونال دینوی برازیلی و روبین هالندی بیشتر علاقه دارد و نیز مشخصات کامل بازیکنان تیم هالندی را می داند.

فریار علاقه مفرطی به کشورش افغانستان و مردمش داشته و آرزو دارد که روزی پیراهن تیم ملی فوتبال افغانستان را بر تن نموده و افتخاراتی را برای وطن و مردمش خویش کمایی کند.

فریار در صنف اول "آفو" کالج دیفنسی لیوناردو شهر لایدن درسهایش را موفقانه پیش می برد و معلمانش از او راضی استند. در میان دوستان و رفیقانش محبوب است و طبع شوخ داشته و همیشه تبسم بر لب دارد. فریار به شنا نیز علاقه خاص دارد و بر علاوه در باسکتبال، کورف بال، پینگ پانگ و اسکی روی یخ دسترسی کامل داشته و در مسابقات مکتب خود نیز اشتراک کرده است.

البته قابل یادآوری ست که مشوق اصلی این نوجوان، پدرش آقای امان الله کبیر است. او خود از بازیکنان سابقه دار فوتبال کشور ماست و فعلاً به حیث مربی و حکم میدان کلب های فوتبال لایدن V.V. Leiden و فورس خوتن Voorschoten 97 ایفای وظیفه می کند.

برای فریار کبیری ورزشکار مستعد آینده درخشان و پیروزی های فراوان تمنا می کنیم.

اولین روز بهار

Written by: Sharon Gordon

Illustrated by: Christine Willis

ترجمه: دریا هژبر، هفت ساله، صنف دوم، کانادا

امروز یک روز خاص است.

شما می فهمید این کدام روز است؟

امروز شما می توانید چیزهای خاص را احساس کنید.

امروز آفتاب نور خاص دارد.

امروز آفتاب روشن و گرم است.

شما می توانید آفتاب گرم را احساس کنید.

امروز شما می توانید چیزهای خاص را بوی کنید.

امروز گل ها بوی خاص دارند.

گل ها بوی شیرین و تازه دارند.

شما می توانید گل های شیرین را بوی کنید.

امروز شما می توانید چیزهای خاص را بشنوید.

امروز شما می توانید صدای پرنده های مصروف را

بشنوید.

پرنده های مصروف بیت می خوانند.

شما می توانید بیت پرنده ها را بشنوید.

امروز شما می توانید چیزهای خاص را ببینید.

شما می توانید چوچه های حیوانات را ببینید.

چوچه های حیوانات بازی می کنند.

شما می توانید بازی چوچه های حیوانات را ببینید.

امروز شما می توانید بازی اطفال را ببینید.

آنها آفتاب گرم را احساس می کنند.

آنها گل های شیرین را بوی می کنند.

آن ها صدای پرنده ها را می شنوند.

آن ها بازی چوچه های حیوانات را می بینند.

اطفال با چوچه های حیوانات بازی می کنند.

امروز یک روز بسیار خاص است.

شما می توانید امروز چیزهای خاص را احساس کنید

و بوی کنید و بشنوید و ببینید.

چون امروز اولین روز بهار است.



مادران و پدران گرامی،

شما برای تقویه زبان مادری اطفال خویش می توانید که با آنها به شیوه های مختلف کار کنید. یک شیوه را طور نمونه فرستادم. دخترم دریا دری خوب حرف می زند، اما تا هنوز آن را خوانده و نوشته نمی تواند. البته این نتوانستن او ناشی از نخواستن او نیست؛ بلکه کوتاهی از من و پدرش می باشد که نتوانسته ایم وقت و انرژی بیشتر خود را برای آموزش کامل تر زبان دری به او بدهیم. با اینهمه هر شب که او برای ما قصه بی را به زبان انگلیسی می خواند، ما عین جملات را به او به زبان دری باز می گوئیم. باری به فکرم گذشت که اینبار من کتاب را به انگلیسی بخوانم و او ترجمه اش را به دری برایم بگوید. نتیجه این کار ترجمه قصه گکی شد که خواندید. البته دخترکم در ترجمه اش عوض آفتاب (افتو)، عوض اطفال (اشتکا) و عوض می فهمید (می فامین) گفت ولی بقیه کلمات و جملات از خود او است.

خوایم این تجربه را با شما شریک شوم تا آن را مورد استفاده قرار دهید. برای این کار مانند قصه گک بالا از کتاب های ساده با جملات کوتاه و کلماتی که تکرار می شوند، کار بگیرید.

پروین پژواک، مارچ ۲۰۰۶، کانادا

آگهی سی دی "گل گلاب" آهنگ ها برای کودکان

آوازخوان: متین منصوری

مرکز پخش: شبیر موزیک

سی دی "گل گلاب" که در ماه میزان ۱۳۸۴/اکتوبر ۲۰۰۵ پخش گردیده، نخستین سی دی آهنگ ها برای کودکان و نوجوانان افغان است که برای فروش به بازار گذاشته شده است.

پارچه های چهارده آهنگ سی دی به جز از سه آهنگ (پلار، سلام سلام و قصه) از سروده های پروین پژواک برای اطفال انتخاب شده اند.

این سروده ها توسط ابراهیم منصوری کمپوز گردیده اند. ابراهیم منصوری در هنگام اقامت خویش در ایران رشته موسیقی را در دانشگاه "رسام هنر" تهران به پایان رسانیده است.

آوازخوان آهنگ ها متین منصوری است. متین سیزده سال دارد، در صنف هشتم مکتب بوده و در شهر مونتریال کانادا زندگی می کند. او با زبان های دری، فرانسوی و انگلیسی خوانده و نوشته می تواند. متین پیانو می نوازد و تا اکنون توانسته است هفت کمپوز مستقل بسازد.

atinmelody@hotmail.com

نشانی: www.MatinMelody.com

ارسالی دوکتور م. ا. ترابی، هالند

نونهالان بالنده،

جوانان و نوجوانان کشور ما در بستر غربت و مهاجرت اغلباً از زمینه های تحصیلی برای رشد فکری و استعداد های شان استفاده قابل توجهی کرده اند که واقعاً قابل ارجح و احترام شمرده می شود.

ما در اینجا با جوانی هم صحبت می شویم و طی چند سوالی از هنر و تفکر او و رشد و بالندگی استعداد او سخن بمیان می آوریم:

سوال: لطفاً خود را معرفی بدارید.

جواب: اسم من احمد عزیزیار است. من در سال ۲۰۰۵ از رشته نقاشی اکادمی شاهی هالند واقع در شهر دنهاگ فارغ شده ام و اکنون با خانواده ام در شهر دلفت زندگی می کنم.

سوال: شما در هنر خود کدام سبک را تعقیب می نمایید؟

جواب: در ابتدا سبک فیگو را تعقیب می نمودم که تقریباً ریالیزم گفته می شود. اما فعلاً مدرنیزم و بعد از مدرنیزم را تعقیب می نمایم.

سوال: نقاشی و رسامی از نظر شما کدام مراحل را طی نموده است؟

جواب: رامبرانت و روبینس دو نفر از هنرمندان مشهور دوره رنسانس بودند که در قرن ۱۵ زندگی داشتند. آنها و سایر هنرمندان آن زمان شاگردان شان را طوری آموزش می دادند که کاری را که خودشان آفریده بودند، تعقیب نمایند که خالی از نو آوری بود. این در حقیقت دوره اول شمرده می شود.

بعد ها دوره دیگری شروع می شود که استادان و معلمان

نقاشی و رسامی به شاگردان شان می گفتند که شما مانند سبک و آثار هنرمندان سابق کار نمایید که دوره دوم گفته می شود. ولی دوره سوم که از اواخر قرن ۱۸ شروع شده و تا امروز ادامه همان سبک امپرسیونیزم است که در واقع "هنر لحظه" گفته می شود هنرمند هنرش را مطابق همان زمان به میان می آورد، زیرا شکل و

سیمای اشیا مطابق زمان و لحظه در تغییر است.

سوال: در خانواده شما کسی به این هنر وارد است؟

جواب: بلی، پدرم عبدالشریف عزیزیار مجسمه ساز است و سابق استاد دانشکده هنر های زیبای دانشگاه کابل بوده است.

سوال: شما گاهی آثار تان را به نمایش گذاشته اید؟

جواب: بلی، در نمایشگاه های خورد و بزرگ در شهر دلفت و دنهاگ آثارم به نمایش گذاشته شده است که مورد دلچسپی علاقمندان قرار گرفت و در آینده نیز نمایشگاه هایی در نظر دارم.

سوال: برای جوانان افغان چه پیامی دارید؟

جواب: پیام من به جوانان و نوجوانان این است که شرایط و امکانات موجود کشور های میزبان استفاده اعظمی بنمایند.



تفکر در قرون وسطی

علل پیدایش رنسانس

قرن سیزدهم در سراپای اروپا یک شاعر جهانی و صاحب شهکار ندارد و چرا شهکار "کمیدی الهی" دانته در مراحل پسین قرن ۱۳ می روید؟! اگر دقیق فکر شود، هر شخص عاقلی می تواند از طریق مقایسه تطبیقی به علل ظهور پسمانی و ترقی یک ملت پی ببرد! القصة این که پیدایش رنسانس در اروپا یک سمارق نبوده است که دفعتهً از پاریس یا لندن سر کشیده باشد، بل مبارزه طبقة متوسط سرمایه دار (بورژوازی) بر علیه تاریک اندیشی نظام "فیودالیت" بوده که باعث یک سلسله حرکت های نوین فکری گردید. اعدام شدن خردگرایان که از ترقی دفاع می کردند، یک عامل درخشان عصر رنسانس اروپاست. چقدر خون در پای درخت رنسانس ریخته شد تا درخت رنسانس قد کشید و به میوه نشست. رنسانس از واژه فرانسوی به معنای تولد دوباره آمده است و مرکز این تولد دوباره از لحاظ حضور فیلسوفان و شاعران و طبقة جدید تاجران، شهر فلورانس در ایتالیا بوده است. به اتکای اسناد و شواهد میتوان خلاصه کرد که پایتخت رنسانس "فلورانس" Florance بوده است. در قرون وسطا که از قرن پنجم میلادی تا قرن پانزده میلادی را در بر می گیرد، باز هم می بینیم که جرعه های خرد در آسمان فلورانس درخشیده است. (دانته و داوینچی). هومانیزم به معنای انسانیت انسان و به معنای استفاده از خرد و دانش انسان برای بار اول در شهر یا جمهوری فلورانس شکل می گیرد. پس با ابراز سپاس باید نوشت که پایتخت هیومانیزم نیز فلورانس بوده است. عامل اساسی پیدایش تفکر هومانستی و رنسانسی در پایان قرن ۱۵ رشد و تکامل اقتصادی و اجتماعی یعنی پیدایش سرمایه در فلورانس ایتالیاست. این حرکت سرمایه بود که در فلورانس آن دوران طبقة سرمایه دار، تجارت و تأسیس بانک را بوجود آورد. زیاد شدن سرمایه و انباشت آن در بانک های فلورانسی، تفکرات نوین را در عرصه های گوناگون شعور اجتماعی بوجود آورد. زمانی که ما از یک حرکت تازه در فلورانس صحبت می کنیم، در عین زمان در سایر مناطق ایتالیا (و در مجموع اروپا) نظامهای فیودالیت و ملوک الطوائفی استقرار داشته است. مبارزه طبقة سرمایه دار با فیودالیزم کهنسال و بی عقل نه تنها در عرصه اقتصاد بل در عرصه فلسفه و

به ادامه نوشته قبلی اینک جوانان عزیز را به فهمیدن علل پیدایش رنسانس در قرون وسطای اروپا که بعداً مرکز انقلابات علمی، هنری و تکنالوجیک می گردد، دعوت می نمایم.

چه گپ شد که اروپای فقیر و عمدتاً بیسواد به یک اروپای غنی و متمدن تبدیل گردید؟! جواب این سوال کوتاه، عمر دراز و نوشته های بسیار زیاد می خواهد، چرا که جواب دادن به این سوال مراجعه به علوم مختلفه را طلب می کند؛ مثلاً مراجعه به علم تاریخ، جامعه شناسی، علمی اقتصاد، سیاست، انسانشناسی، فلسفه، ...

ولی من می خواهم با مرور کوتاهی مانند نوشته های کوتاه قبلی علل پیدایش رنسانس را توضیح نمایم و بعداً در نوشته های دیگر در باره خردگرایان رنسانس بپردازم.

برای دانشمندان در دوره های گوناگون تاریخ این مسأله مطرح بوده که چرا بعضی کشور ها در یک دوره معین تاریخ، متمدن و پیشرفته و برخی از کشور ها عقب مانده و غیر متمدن استند؟! مثلاً افغانستان قرن یازدهم (خراسان) و فرانسه قرن یازدهم میلادی را اگر مقایسه کنیم، می بینیم که در این دوران در افغانستان یک امپراطوری بزرگ و تجاوزگر وجود دارد که با چپاول ثروت های ملت های دیگر، خود را غنی و پیشرفته ساخته بود و مرکز امپراطوری غزنوی به محل تجمع دانشمندان، شاعران، فیلسوفان ... تبدیل شده بود. در هنگامی که خراسان هزار ها هنر آفرین را در بغل داشت و در شهر های مختلفه اش هزاران جلد کتاب (کتابخانه ها) وجود داشتند، در فرانسه آن زمان حتا شاهان و وزیرانش بیسواد بودند، از کتابخانه های غیر کلیسایی خبری نبود. در بعضی از نقاط اروپا اگر با چراغ می پالیدی دانه، دانه شاعر، فیلسوف و دانشمند را می یافتی!! این فرق بزرگ کدام جادوگری و طلسم نبود، بل یک حرکت اقتصادی - اجتماعی و چپاول و تاراج (هند) را نشان می دهد.

از مثال افغانستان قرن یازدهم میلادی می خواهم به این نتیجه برسم که در یک کشوری که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته باشد، در آن کشور مدنیت نیز شگرفا می گردد و در کشوری که از لحاظ اقتصادی - اجتماعی عقب مانده باشد، مدنیتش نیز زار و پریشان می باشد. شما از تاریخ بپرسید که چرا تا

علم و دین نیز صورت گرفته است. مبارزه بین سرمایه داری و ارباب رعیتی با مبارزه فلسفه و علوم و هنر بر علیه کلیسا و انگیزسیون در آمیخت و طلوع یک دوره جدید یعنی هومانیزم و رنسانس را بیار آورد.

هومانیزم (خرد مستقل انسان) و مقدمات رنساس در واقع یک نوع گسست مغرورانه اما در آن زمان غیر رادیکال (ریشه پی) از کلیسا و تیولوژی (الهیات) و ارسطو ... و امثال هم بوده است.
انقلاب کوپرنیک (۱۴۷۳ - ۱۵۴۳)

آغاز تکان دهنده رنسانس، علم نبود است که بنام انقلاب کوپرنیک یاد می گردد. کوپرنیک لهستانی در ۲۵ سالگی به ایتالیا آمد و به حیث استاد ستاره شناسی تدریس می کرد. البته در آغاز کوپرنیک همان نجوم



کهن بطليموس را تدریس می کرد. تا قبل از کوپرنیک، تیوری بطليموس در جامعه و کلیسا و الهیات عیسوی ترویج و تدریس می گردید. بطليموس می گفت که زمین مرکز عالم است و همه ستارگان بدور زمین می چرخند.

اما کوپرنیک متوجه شد که چرا مهتاب نسبت به خورشید و سایر ستارگان سریعتر حرکت می کند. چون در زمان کوپرنیک تلسکوب اختراع نشده بود، کوپرنیک از عقل و چشمان خود استفاده کرد. زمانی که کوپرنیک در کلیسا وظیفه داشت، در ده برج بالایی کلیسا سوراخ های را ایجاد کرد و از این سوراخ ها حرکت مهتاب و خورشید را تماشا مینمود. کوپرنیک بزرگ از روی محاسبات ریاضی و فزیک و نجومی به این نتیجه رسید که اگر خورشید مرکز عالم فرض شود، جدول های نجومی به شکل بهتر قابل محاسبه می گردند. مسأله غلط دیگری که از بطليموس به یادگار مانده بود، مسأله چار فصل است که کوپرنیک آن را نتیجه حرکت زمین به گرد خورشید دانست. انقلاب کوپرنیک که آخر قرن ۱۵ و آغاز قرن ۱۶ را در بر می گیرد، تمامی اندیشه های مروج زمان را از ارسطو تا بطليموس از جا بیجا ساخت. مسأله ساکن بودن زمین و مرکز بودن زمین با انقلاب کوپرنیک یعنی خورشید مرکز سیارات منجمله

زمین و حرکت زمین به دور خورشید، جهان را تکان داد. اول کلیسای ایتالیا و بعد خرد ستیزان عالم را به نبرد غیر مترقبه فراخواند. کوپرنیک یک نفر بود ولی اروپا صد ها هزار عسکر و چاپلوس و جلاد داشت. می بینیم که شمشیر و گیوتین (تیغ کله بُر) نتوانست از ترویج عالمگیر این انقلاب جلوگیری نمایند. کتاب کوپرنیک، این انقلاب آفرین و خردگرای بزرگ تاریخ بشر بنام "چرخش کرات سماوی" در هنگام مرگش یعنی ۱۵۴۳ چاپ شد.

با وجودی که کوپرنیک با ابراز این نظریات که بر خلاف عقاید مذهبی و فلسفی و نجومی زمان بود، چون درختی در مزرعه رنسانس بیار نشست.

خردگرایان گل های سر سبد تاریخ بشری اند، جامعه ای که از لحاظ آفرینش علمی - هنری عقیم گردد، از لحاظ جامعه شناسی به آن می گویند "جامعه ایستا". اروپا حدود هزار سال در حالت ایستایی به سر برد و چنانچه هم اکنون اکثر کشور های آسیایی و آفریقایی و لاتین از برکت چپاولگران امریکایی و اروپایی به جوامع عقب نگهداشته شده، فقیر و ایستا تبدیل شده اند. این نوشته را با گفتار شکوهمند **توماس مور** (۱۴۷۸ - ۱۵۳۵) نگارنده کتاب اتوپي Utopi که نمونه برجسته هیومانیزم در دیباچه عصر رنسانس می باشد، به پایان می بریم:

"اتوپایی (ناکجا آباد) باید ساخت که در آن انسانها



بدون قید و شرط، آزاد و آرام زندگی اشتراکی نمایند. " اتوپایی توماس مور انگلیسی در یک جزیره خیالی ترسیم می شود که در آنجا عدالت بین انسانها وجود دارد، فقیر و غنی در

سرزمین توماس مور وجود ندارد، همه چیز به وسیله منطق و خرد انسانی حل می گردد. ما اکنون که در عصر آفت و بلای "جهانی شدن" قرار داریم، بیش از توماس مور به جامعه عدالت گستر و انسانی نیازمندیم.

به امید سلامتی همه خوانندگان، فرهود

برگی از ادبیات معاصر افغانستان

نہشتہ سالار عزیزپور

محمود فارانی



پیش از آن که به معرفی "محمود فارانی" یکی از پیش کسوتان نو آوری در گستره شعر فارسی افغانستان بپردازیم، لازم به یاد آوری می دانم: نام های که مزین "برگی از ادبیات معاصر افغانستان" می باشند، روشمند اند؛ چرا که در گزینش این نام ها معیار ما سوای ابتکار و نو آوری گزیده شده گان، پذیریش این نام ها از سوی بسیاری از بزرگان و ادب شناسان ما نیز مطرح بوده است.

فارانی

محمود فارانی بنا بر روایتی در سال ۱۳۱۸ خورشیدی در کابل زاده شده است. آموزش های دبستانی و دانشگاهی خود را در کابل به پایان رسانیده و از دانشکده شرعیات کابل سند فراغت بدست دارد.

فارانی در کنار آشنایی با زبان های اردو، عربی و انگلیسی تا دست یابی به برگردانی این زبان ها به دو شیوه قدیم و معاصر به زبان فارسی دری شعر می گوید و در روزگاری به گونه گذرا به گفتمان های فلسفی نیز دست یازیده است.

شاعر

در نیمه های شب،
وقتی که شهر خفته در آغوش تیرگی
وقتی که سایه های شیاطین شب نورد
آهسته می خزد به دل تنگ کوچه ها
وقتی که مردگان،
در گور های تار،
لرزنده از صدای قدم های اهرمن
وقتی که بالهای سپید فرشتگان
خونین شود ز پنجه ارواح دوزخی
وقتی که روی شهر
افسون دمد الهه جادوگر هوس
و اندر سکوت خلوت کم نور کاخ ها
پیچد نوای وسوسه انگیز بوسه ها
تن های سیمگون،
اندام های گرم
عریان شود به پیش نگاه های برق خیز
وقتی که با نسیم،
آید صدای خنده مستان رهگذر
او آن زمان خموش
در پشت پنجره
بر بسترش نشسته و در پرتو چراغ
بیهوده می کند ورقی چند را سیاه

فارانی در پهلوی آن که نو آوری در عرصه شعر معاصر را به جد گرفته و در پی افگندن آن تلاش جدی کرده و در اقلیم و دیدگاه و زبان شعری خود، گسترده ترین قلمرو را در سیطره خود داشته است.

با پیشکش چندین گزینه از سروده هایش به نام های "رؤیای شاعر"، "آخرین ستاره" و بعد "سفر در طوفان" به چنان جایگاهی در گستره شعر فارسی دری دست می یابد که توجه بسیاری از بزرگان ما را به خود جلب می کند. چنانچه استاد صلاح الدین سلجوقی در پیشگفتار "نقد بیدل" در مورد فارانی می نویسد:

"فارانی یکی از شراره های قریحت خدا دادی است که باید به آینده اش چشم داشت."

فارانی هر چند خوش درخشید و شعر معاصر را به جد گرفت و پی افگند، اما در تداوم تلاش های سرایشی اش به ویژه پس از کودتای ثور کمترین نشانه سرایش از خود بجای می گذارد.

با آن هم فارانی را به پاس ابتکار و رویکردش به شعر معاصر افغانستان می ستاییم و خوانندگان "برگی از ادبیات معاصر افغانستان" را به خوانش شماری از سروده هایش فرا می خوانم:

غروب ساحل

خورشید پریده رنگ دی ماه
از رخنه راه های خونین
چون اخگر روشنی درخشد
اندر بر شعله های زرین

خوابیده ام به گوشه این آشیان رنج
هنگام روز نیز چو خفاش های پیر
کسی یار من نبوده درین غم سرای شوم
جز عنکبوت مرده که آویخته ز تیر

امروز می روم دگر از این جحیم سرد
امروز می گریزم از این محبس سیاه
می گسترم بساط گدایی خویش را
در نور آفتاب بهاری کنار راه



از راست به چپ: داود فارانی، رهی معیری (شاعر ایرانی)، محمود فارانی

پاسبان

بازار در

سیاهی شب غرق گشته بود

خفاش پیر و کور

در آسمان تیره و مرموز می پرید

یک جوجه سگ خموش

در زیر یک دکان قصابی فتاده بود

ترسیده می جوید یکی پاره استخوان

بر سنگفرش سرد خیابان در آن طرف

در پرتو بنفش یکی نیلگون چراغ

یک پاسبان پیر

در انتظار خنده صبح ایستاده بود

آواز زنگ ساعت یک برج دور دست

یکبار قلب خاموشی ژرف را شکافت

چشمان پاسبان

از خشم برق زد

او خسته بود تیره شب بی سحر هنوز

اندام شهر را به بر خویش می فشرد

چشمان نیمه باز و پر از خواب پاسبان

در پرتو بنفش

از شیشه های پنجره روشن دکان

بر گنجه های خفته آن میخکوب ماند

وانگه نگاه او چریکی خسته عنکبوت

آهسته روی موزه طفلانه می خزید

در گوش او صدای غم انگیز کودکی

پیچید با ترانه یک باد رهگذر

فرداست عید و بابا پایم برهنه است

بهار گدا

شبها میان کلبه نمناک و تار خویش

لرزیده ام ز شیون مرموز بادها

تا صبح در سیاهی و هم آفرین شب

رقصیده پیش دیده من شبخ یادها

شبها کنار توده خاکستر سیاه

غرق خیال و خلسه و رؤیا لمیده ام

وز قطره های سرد چکک های نیمه شب

صد بار یکه خورده واز جا پریده ام

شعله خاموش

در دل آسمان آبی رنگ
از بر ابر پاره های زرین
ماه زیبا همی فروپاشد
نور بر پیکر سپید زمین

می وزد روی شهر رفته به خواب
باد سردی ز دامن کهسار
غرش تند باد می پیچد
در خم کوچه های خامش و تار

بام های ز برف پوشیده
شاخه های برهنه و لرزان
عکس لبخند ماهتاب قشنگ
روی یخهای روشن لغزان

همه در پرده سیاهی شب
می نماید به چشم خیره من
همچو آن خطه های جادویی
که بود در فسانه های کهن

پرتو سرد ماه از روزن
اوفتاده درون کلبه تار
سایه نیمرنگ می لرزد
چون تنم روی سینه دیوار

شعله های طلایی آتش
سر نهفتند زیر خاکستر
شمع هم مرد و ماهتاب نشست
خفت آهسته دیده اختر

من کنون می روم به عالم خواب
می برم رنج زندگی از یاد
می سپارم به دست رؤیاها
روح افسرده و دل ناشاد



درست بنویسیم

استاد لطیف ناظمی



شیوه نوشتن فعل ماضی قریب

فعل ماضی قریب را در زبان پارسی دری چنین گردان میکنیم:

رفته ام	رفته ایم
رفته ای	رفته اید
رفته است	رفته اند

از قاعده بالا، چنین در مییابیم که فعل مفرد مخاطب ماضی قریب را باید همواره همین گونه، با (ای) نوشت؛ به گونه نمونه:

زده ای، برده ای، آمده ای، نوشته ای، خوانده ای، فرستاده ای.

بیشتر کسان، در نوشتن این صیغه فعل، در تردید اند؛ گاهی با دو(ی) و گاهی با (همزه) و(ی) مینویسند که نادرست است:

زده یی، برده یی، آمده یی، نوشته یی، خوانده یی، فرستاده یی.

آن گونه که پیش از این نوشته بودیم؛ پسوند دو(ی) را برای حالت‌های مصدری، نکره و وحدت به کار میبریم؛ به گونه زیر:

حالت مصدری: نیکویی، بدخویی، زیبایی، دانایی، شکیبایی، صوفیایی.

کلمه صوفی چون با (ی) ختم شده است؛ در حالت مصدری، طبق قاعده، دو (ی) نیز به آن افزوده میشود.

در حالت نکره و وحدت: در صورتی که اسم دلالت به شخص یا به چیز نامعلومی کند و یا یک شخص و یک چیز را نشان دهد؛ باز هم دو (ی) بر آن میافزاییم:

مردنیکویی، در کوچه ما زندگی میکند.

شاگردان، معلم بدخویی داشتند.

مادرم، زن شکیبایی است.

ستم بزرگ آن است که قاضی، از عدالت، سر باززند.

بحث را بدین گونه، فشرده میسازیم:

واژه هایی که مختوم به صامت‌ها باشند؛ در حالت اضافت، چیزی به آنها، نمیافزاییم.

چون: دیوان سنایی، میز تحریر، سنگ مرمر، نان خانگی.

اگر واژه با مصوت (آ) یا (الف) ختم شده باشد؛ در حالت اضافت، یک (ی) به آن میافزاییم:

خدای بزرگ، دانای کل، دعای مادر، پای شکسته، زیبایی خفته.

کلمه هایی که با (ی) ختم شده باشند در این حالت، چیزی به آنها نمیافزاییم:

بوی خوش، خوی بد، جوی آب، گیسوی سیاه، سبوی شکسته.

کلمه هایی که به مصوت (ا) یا (های غیر ملفوظ) ختم شده باشند؛ نیز در صورتی که مضاف واقع شوند؛ یک (ی) باید به آنها افزود ولی از دیر باز به جای یک (ی) تنها سر (ی) یا کله (ی) را مینویسند:

نامه پدر، خانه نو، شانه مو، نوشته زیبا، شیشه شکسته.

باید یاد آوری کرد؛ نشانه یی که میان مضاف و مضاف الیه قرار گرفته هرگز همزه نیست چون همزه در الفبای زبان پارسی دری، هرگز وجود ندارد.

کسانی که به جای (ی)، (همزه) را در حالت اضافت یا وحدت و نکره و یا در صیغه مفرد مخاطب فعل ماضی قریب، به کار میبرند؛ نادرست مینویسند چون همزه، خاص زبان عربی است و در آینده در مورد کاربرد آن، خواهیم گفت.

سقوط استیلای خارجی و تاسیس دولت های مستقل افغانستان

(از قرن سوم قبل از میلاد تا قرن ششم میلادی)

برگرفته از کتاب **افغانستان در مسیر تاریخ**، نوشته میر غلام محمد غبار

تلخیص و ساده نویسی از: ع. فقیری

به سلسله شماره های گذشته

نهال، شماره ششم، صفحه ۲۸، ویژه نوجوانان و بزرگسالان

۱- افغانستان در زمان دولت یونانو

باختری (۲۵۰ تا ۱۳۵ ق.م.)

دیودوت اول از طرف انتیوکوش دوم شامی، والی باختر و سغدیان مقرر شده بود، ولی او استقلال دولت یونان باختری را اعلام کرد. دیودوت دوم جانشین او با دولت جدید اشکانی یا تارتی ایران، که در شمال غرب افغانستان در ایالت خراسان کنونی تشکیل و در سال ۲۴۹ ق.م. اعلان استقلال کرده بود، روابط دوستانه برقرار کرد؛ زیرا هر دو دولت بر ضد سلطه سیلوسی های شام بودند.

ایوتیدم مقتدر ترین پادشاه یونانو باختری است که در سال ۲۲۷ ق.م. هجوم انتیوکوش سوم شامی را از افغانستان با مصالحه و مدارا عقب زد و ایالات جنوبی هندوکش را بدون جنگ از تسلط دولت هند آزاد ساخت. ایوتیدم در غرب تا ایالت توس پیش رفت و گمان می رود که او کاشغرستان را نیز زیر نفوذ خود قرار داد. بلوچستان در این دوره به افغانستان پیوست و به اعمار شهرها، راه ها، آبیاری، پیشه وری و مالداري توجه صورت گرفت و تجارت با چین و هند توسعه یافت. در آن روزگار ولایات توسط والیان مقتدر اداره می شد که بیشتر شهزاده ها بودند و هر یک در منطقه خود حتی به نام خویش سکه می زدند و سکه های طلا و نقره ایوتیدم در دست است.

حدود سیاسی کشور در زمان یونانو باختری از دشت های ایران تا حوزه گنگا و از حوزه سیحون و جیحون تا بحر کشیده شد و این دوره در سال ۱۷۵ ق.م. خاتمه یافت.

ایوکراتید در ۱۷۵ ق.م. پادشاه شد و در دوران او سرداران یونانوباختری در هندوستان دولت جداگانه تشکیل کردند و از این وقت زمینه سرنگونی سیاسی دولت یونانوباختری آغاز یافت. در داخل نفاق دسته ها و رجال بزرگ و از خارج قدرت اشکانی فزونی گرفت و نفوذ آن در ایالات غربی کشور زیاد شد. اما حادثه بزرگتر آغاز

مهاجرت های قبایل "سیتی" است که از شمال مشرق و از ماورای سیحون رو به سغدیان سرزیر گردید. موج اول این مهاجرتها توسط "اسکانی ها" در ماورالنهر فرو ریخت و سپس با گذشتن از جیحون ایالت باختر را فرا گرفت. این گروه در راه حرکت به جانب غرب با دولت اشکانی پارتیا برخورد نمود و به ناچار به طرف جنوب روی آورد و سیستان و قندهار را فرا گرفت و این سلسله مهاجرت ها تا حوزه سند پیشرفت.

همین فشار مهاجرین اسکایی در داخل و حملات دولت اشکانی سبب شد که هیلوکلس پادشاه یونانو باختری در سال ۱۳۵ ق.م. از شمال هندوکش پایتخت قدیمی بلخ به جنوب هندوکش برود و کاپیسا را مرکز دولت قرار دهد. سلسله یونانو باختری در اواخر قرن اول قبل از میلاد در اثر فشار پارتها و اسکائی ها بکلی پایان یافت. پارتها و اسکائی ها از (۱۲۰ ق.م.) تا ۷۵ میلادی در ایالات سیستان و قندهار و حوزه سند پایین حکومت های مستقل داشتند. ولی تاریخ شان روشن نیست و مسکوکات آنها در دو زبان و در رسم الخط های یونانی، پراکریت و خروشتی است.

اوضاع اجتماعی افغانستان در زمان دولت یونانوباختری:

ورود اسکندر و یونانیان در افغانستان که عده از علما و هنرمندان یونانی را با خود داشت، بر روح مردم افغانستان تأثیر ژرف گذاشت و این حادثه بزرگ نظام اجتماعی و تمدن و فرهنگ قدیم کشور را تکان سختی داد و در نتیجه آمیزش هر دو مدنیت و فرهنگ، کشور داخل دوره جدید پیشرفت گردید. یونانیانی که وارد افغانستان شدند، سپاهی بودند مجرد و بدون خانواده. آنها با مردم این کشور ازدواج کردند و آمیختند. این اختلاط آنان را تحت تأثیر فرهنگ و مذهب و عقاید افغانستان قرار داد تا جایی که از یونانیان فرق می شدند و شکل مستقل به خود گرفتند. حادثه دیگری که در تاریخ تمدن و

فرهنگ مملکت نقش بزرگ و طولانی تری به جا گذاشت در همان اواسط قرن سوم قبل از میلادی رخ داد، یعنی وقتی که استقلال یونانو باختری در افغانستان اعلان شد، از طرف شرق دولت بزرگ موریای های هندوستان از رودبار سند گذشت و تا جنوب هندوکش رسید. مبلغین مذهبی این دولت، دیانت تسلی دهنده بودایی را که اصلاحات اخلاق بشر را به واسطه ریاضت و ترک خواهش ها به ارمغان آوردند و تا آغاز قرن دوم قبل از میلاد، دامنه نفوذ روحانی و اخلاقی آن تا باختریان گسترش یافت. دولت یونانوباختری که چشم طمع به هندوستان غنی دوخته بود، مانع انتشار این مذهب جدید نگردید؛ لذا دین بودا با میتالوجی آن، نصف شرق کشور را فرا گرفت، تا جایی که دیانت قدیم زرتشتی مقاومت نتوانسته و قدم به قدم به طرف غرب کشور عقب نشست. ادیان و عقاید مختلف در آن روزگاران مورد احترام بودند. رهبر های مذهبی مختلف یونان، زرتشتی و بودا، اناهیتا و اپولون با معابد مختلفه آنها در جوار همدیگر می زیستند.

از قرن سوم تا قرن اول قبل از میلاد پیشه وری، صنعت مجسمه سازی، حکاکی و مهر کنی در افغانستان رشد کرد، صنایع یونانو باختری افغانستان در هندوستان، چین و آسیای مرکزی اثر افگند و سنکیانگ و سیالکوت مراکز انتشار این صنایع در چین و هند گردید.

چون زبان و رسم الخط یونانی از قرن سوم قبل از میلاد در افغانستان قبول شده و موازی با پراکریت و رسم الخط خروشتی افغانستان یکجا به کار میرفت، علوم یونانی نیز مثل میتالوجی آن در فرهنگ کشور داخل شده بود. همچنین خط پهلوی پارتی از قرن سوم قبل از میلاد در افغانستان معرفی گردیده و در کنار خطوط خروشتی و یونانی، تا قرن سوم میلادی (دوره کوشانیان بزرگ و گسترش نفوذ ساسانی) مروج ماند. منشا خط پهلوی

های سنگی، سالونها، دیوار های با نقش و نگار و رنگ و مجسمه های سر شیر بوده، ثروتمند و با شکوه بود. این آثار نماینده آن هنر "یونانو باختری" است که منبع عمده هنر "کوشانی و گریکو بودیک" به شمار می رود. همچنین سکه های بدست آمده از "خزانة قندوز" (قلعه زال) نمونه های مسکوکات "گریکو باختز" را بدست داده و مجسمه های کشف شده از "هده" (جلال آباد) نفوذ هنر یونانی را در افغانستان نشان میدهد.

بقیه در شماره آینده

بزرگ در حرکت بودند و به شکل خاموش و آرام، فرهنگ، صنایع و عقاید این کشور ها را به همدیگر مبادله می کرد. افغانستان که در مرکز این چهار راه قرار داشت، بیشتر از دیگران در این داد و گرفت مدنی و تهذیبی حصه می گرفت و از همیزوست که مشخصات تاریخی او نمایان می گردد. از نظر سیاست نیز چنین است، افغانستان از شمال و غرب و شرق، به ویژه از جبهه شمال نفوذ سیاسی ملل مختلف را قبول کرده است و یا در عوض در

این ملل مختلف نفوذ سیاسی وارد نموده است. این جریان در مورد هنر، موسیقی و سایر شئون اجتماعی هم صدق می کند. چیزی که واقعیت است این است که در بین تمام این ماجرا ها و در طول چندین هزار سال، مردم افغانستان هویت خود را حفظ کردند و حتی مهاجمان نیرومند را با زبان و اگر فرهنگ و تمدنی داشته اند، با تمدن و فرهنگ شان تحت تأثیر آورده اند.

در دوره یونانو باختری اسلحه مورد استفاده تیر و کمان، نیزه و شمشیر، قمه و ژوبین، زره و سپر بود و سپاه افغانستان سواره و پیاده بود و در میدان جنگ اراده نظامی و فیل های جنگی به کار می رفت. در افغانستان آن وقت، مناسبات بردگی، شکل بردگی یونان را و قیود طبقاتی، شدت قیود طبقاتی هندوستان را نداشت.

حفریات باستان شناس فرانسوی در ویرانه های شهر قدیم "آی خانم" (در ملتان، رود کوکچه و آمو) نشان داده که این شهر بزرگ یونانو باختری متعلق به قرن چهارم قبل از میلاد و نماینده سبک عالی معماری، مخلوط از روش های محلی و تزئینات یونانی است. این شهر دارای عمارات، صحن ها، ستون

پارتی نیز همان خط آرامی بود، اما خط یونانی که در افغانستان صحنه محدود تری داشت، از قرن اول میلادی شروع به از بین رفتن نمود و در سکه های افغانستان کم شدن آن آشکار گردید. این خط (یونانو کوشانی) تا قرن سوم میلادی عمر نمود. بر علاوه در باختز که مرکز کشور بود، زبانهای سغدی، پهلوی و یونانی و لهجه های متشابه حرف زده می شد. البته از زبانهای قدیم افغانستان و حتی زبان اویستانی اولی، اطلاعی در دست نیست مگر این معلوم است که در زمان قبل از اسلام در افغانستان زبانهای پراکریت، سانسکریت، سغدی، یونانی، پارتی، پهلوی، اسکاتی و تخاری صحبت میشدند. آخر تر از همه زبان دری است که در افغانستان قبل از اسلام وجود داشت و در قرن هفتم میلادی واضحاً مروج بود.

در این دوره تجارت و دوران پول گسترش یافته سکه های طلا، نقره و نکل رایج بود. در بازار های باختریان انواع پارچه های ابریشمی و ممل، ادویه، شیرینی، اشیای فلزی، مسی، نقره یی، جواهرات و غیره خرید و فروش می شد. راه های تجارتی به طرف چین یکی از بدخشان و دره واخان به یارکند و دیگر از فرغانه به کاشغر می رفت. روابط تجارتی بین افغانستان و چین از قرن دوم قبل از میلاد برقرار گردیده بود. صادرات افغانستان به چین بیشتر ظروف، سنگ های قیمتی و جواهرات و واردات از چین ابریشم، لاک، پوست، آهن، طلا، نقره و نکل بود.

در غرب راه تجارتی از هرات و پارتیا به ایران می گذشت. رود جیحون که مثل رود سند برای کشتیرانی استفاده می شد، به بحیره ارال می رفت و کانال طبیعی آن بحیره را با بحیره خزر وصل می ساخت و منطقه های جوار خزر، راه تجارتی تا بحر سیاه می رفت. در جانب شرق کشور، راه های تجارتی از باختز، هندوکش را عبور می کرد و از کاپیسا و کابل و هده و پشاور، به دریای سند می رسید. راه دیگر از هم از کاپیسا و نجر او و لغمان و سوات و پشاور به تاکسیلا ساخته شده بود.

در تمام این راه ها، کاروان های

ارسالی عبیده ریاض از شهر هارلم

از سخنان حضرت علی "رض"

بزرگترین گناه ترس است.

بزرگترین تفریح کار است.

بزرگترین بلانومید است.

بزرگترین سرمایه اعتماد به نفس است.

بزرگترین شجاعت صبر است.

بزرگترین استاد تجربه است.

بزرگترین هدیه گذشت است.

بزرگترین سود فرزند نیک است.

بزرگترین افتخار ایمان است.

بزرگترین اسرار مرگ است.

اصول تدریس زبان مادری برای اطفال و نوجوانان دور از میهن

فاروق سرورش

نهار، شماره ششم، صفحه ۳۰، ویژه بزرگسالان

آموزش زبان مادری یکی از نیازهای مبرم و اساسی جامعه پناهندگان افغانستان در هالند به ویژه برای کودکان و نوجوانان می باشد و از اهمیت زیادی برخوردار است. بسیاری از کودکان و نوجوانان با زبان مادری خویش درست صحبت کرده نمی توانند و به رسم الخط آن اصلاً آشنایی ندارند. زبان وسیله افهام و تفهیم است. عدم آشنایی به زبان مادری و رسم الخط آن (زبان گفتار و زبان نوشتار) پرابلم های فکری، روانی و خانوادگی را برای کودکان، نوجوانان و حتی فامیل ها ایجاد نموده و فاصله و نزدیکی بین والدین و کودکان و نوجوانان را روز تا روز عمیق ساخته و عدم تفاهم، همگونی و مشاوره را بین فامیل ها دامن می زند؛ زیرا کودکان و نوجوانان بین دو کلتور و فرهنگ قرار گرفته و احساس مشکلات می نمایند و در بسا موارد حتی هویت شان را زیر سوال قرار می دهد.

چطور می توانیم زبان مادری را برای کودکان و نوجوانان تدریس نماییم؟

باید دقت نماییم که تدریس زبان مادری (زبان گفتار و زبان نوشتار) برای کودکان و نوجوانان خارج کشور دشواری های خاص خویش را دارد و آموزگاران و مربیان که دست اندر کار تدریس و آموزش زبان مادری برای کودکان و نوجوانان هستند، باید مسئولانه در این رابطه برخورد نمایند و تدریس شان مطابق خواست ها و نیازمندی های زمانی و مکانی کودکان و نوجوانان صورت گیرد و هدف از تدریس زبان مادری باید معین و مشخص باشد. ناگفته نباید گذاشت که تدریس زبان مادری برای کودکان و نوجوانان خارج کشور (به ویژه کشور های غربی) از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا کودکان و نوجوانان خارج از کشور بنابر زیست باهمی و روابط متقابل اجتماعی - فرهنگی و شرایط عینی و ذهنی به سادگی زبان کشور میزبان را فرا می گیرند و آموزش زبان مادری برای شان خالی از دشواری نیست. جای مسرت است که بسیاری از نهاد ها، موسسات، افراد و اشخاص که دست اندر کار فرهنگ و آموزش هستند، تدریس زبان مادری برای کودکان و نوجوانان را در دستور کار خویش قرار داده و در این رابطه گامهای مؤثری برداشته اند، ولی هنوز راه طولانی، دشوار و بفرنجی پیش رو داریم که باید با گام های سنجیده، منین و استوار آن را به سر انجام رسانیم.

آموزگاران و مربیان آموزش زبان مادری برای اطفال، میتود ها و شیوه های مختلف تدریس زبان مادری را ارایه و پیشکش نموده

اند که در جایش مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت؛ ولی کمتر در مورد این که میتود و شیوه تدریس جزء اصول تدریس است، به آن برخورد نموده اند و فقط به دستور پردازی بسنده کرده اند که باید اطفال چند بار کلمات را تکرار نمایند و یا اینکه کلمات را باید این طور بنویسند. قبل از این که در مورد میتود و شیوه تدریس صحبت نماییم، نخست باید یک دید علمی و همه جانبه در مورد اصول تدریس داشته باشیم و بعداً میتود و شیوه تدریس را که یکی از اجزای اصول تدریس است، مورد غور قرار دهیم.

اصول تدریس چیست؟

طرح پلان تدریسی، پروگرام تدریسی، مواد و وسایل تدریسی، موضوع تدریس، محل تدریس، میتود و شیوه تدریس در ارتباط به شرایط اجتماعی و فرهنگی با در نظر داشت روابط متقابل آموزگار و آموزنده (معلم و شاگرد) در ارتباط به تأثیر گذاری و تأثیر پذیری که سیر ارتقایی داشته باشد، عبارت از اصول تدریس است.

هدف اصول تدریس چیست؟

هدف از اصول تدریس، رشد استعداد های فکری، ذهنی و روانی شاگردان است که باید سیر ارتقایی را پیماید و رابطه تأثیر گذاری و تأثیر پذیری دارد که بین آموزگار و آموزنده برقرار می شود. به زبان ساده، اصول تدریس، شیوه ها، میتود ها و وسایل را جستجو می نماید که در خدمت سیر ارتقایی تدریس قرار گیرد. همچنان اصول تدریس به سوالات "چرا تدریس؟"، "برای چه کس تدریس؟"، "در کجا تدریس؟"، "چگونه تدریس؟" پاسخ ارایه می نماید. اصول تدریس مطابق شرایط عینی و ذهنی با در نظر داشت روابط متقابل اجتماعی و فرهنگی افراد مدون می گردد و زمینه ساز رشد استعداد های فکری، ذهنی و روانی شاگردان می باشد و آن ها را کمک می کند تا به سادگی بتوانند زبان مادری خویش را بیاموزند. اصول تدریس زمینه آن را فراهم می سازد تا تدریس میرا از اختلافات ملیتی، نژادی، مذهبی لسانی صورت گیرد و روابط متقابل آموزگار و آموزنده را در ارتباط به تأثیر گذاری و تأثیر پذیری با استفاده از مواد و وسایل درسی، موضوع درس، محل تدریس، میتود و شیوه تدریس مورد مطالعه و ارزیابی قرار می دهد. هر گاه آموزگاران و دست اندرکاران آموزش زبان مادری به صورت دقیق و همه جانبه در مورد اصول تدریس معلومات کافی کسب نمایند، می توانند در مورد پلان درسی، برنامه درس و وسایل درسی، موضوع درس، محل تدریس و میتود و شیوه های

تدریس زبان مادری گام های مؤثر بردارند. پلان تدریسی

طرح و عملی کردن برنامه درسی، استفاده از مواد و وسایل تدریس با در نظر داشت محل تدریس، موضوع تدریس و میتود و شیوه تدریس در زمان مشخص یعنی سال، ماه، هفته و روز در ارتباط به تأثیر پذیری و تأثیر گذاری آموزگار و آموزنده که سیر ارتقایی داشته باشد، عبارت از پلان درسی است.

هدف پلان درسی: هدف پلان درسی آن است که تدریس به صورت علمی و درست پیش برود و شاگردان به صورت صحیح و دقیق از آن استفاده نمایند و به این سوالات پاسخ ارایه می نماید:

- برای چه کسی تدریس می نمایم؟

- در کدام زمانی و در کدام محل در چقدر وقت تدریس می نمایم؟

- آموزگار کیست و آموزنده در چه سطح و در کدام سن و سال قرار دارد؟

- موضوع تدریس یعنی مضمون و پیام و شکل درس چیست؟

- هدف از تدریس چیست و چرا و برای چه درس می دهیم؟

هرگاه به سوالات فوق پاسخ درست ارایه نمودیم، می توانیم پلان درسی و برنامه تدریسی درست طرح نماییم و مشخص سازیم که کدام موضوع را در کدام زمان مشخص و در کدام محل و توسط کدام شخص یا اشخاص و برای کدام شخص یا اشخاص درس می دهیم. هرگاه یکی از این عناصر متشکله که به صورت مجموعی پلان درسی را احتوا مینماید و با هم روابط متقابل دارند، در نظر گرفته نشود، نتیجه مطلوب و دلخواه از تدریس بدست نمی آید.

پروگرام تدریسی: تطبیق نمودن پلان تدریسی، استفاده از مواد و وسایل تدریسی، موضوع تدریس، محل تدریس و میتود و شیوه تدریس با در نظر داشت روابط متقابل تأثیر گذاری و تأثیر پذیری آموزگار و آموزنده در زمان و مکان مشخص را پروگرام درسی می گویند. یا به زبان ساده، تطبیق پلان درسی با استفاده از مواد و وسایل درسی، موضوع تدریس و میتود و شیوه تدریس در محل مشخص و زمان مشخص (روز، ساعت و دقیقه) را پروگرام تدریسی می گویند. باید گفت که پروگرام تدریس به صورت دقیق و همه جانبه مطرح ساخته شود و به صورت مشخص، واضح سازد که کدام موضوع در کدام ساعت یا کدام دقیقه در کجا، از طرف کی و برای کی با استفاده از کدام مواد و وسایل و با کدام شیوه و میتود تدریس می گردد. (بقیه در شماره آینده)

بستری شدن کودکان در بیمارستان

نکاتی برای والدین

تهیه شده توسط: " انجمن روانپزشکی کودک و نوجوان ایران "

حمایتهای بیمارستانی

در بسیاری بیمارستان ها امکاناتی وجود دارند که استفاده از آنها می تواند کمک کند این شرایط بحرانی راحت تر گذرانده شود.

- بخش مددکاری اجتماعی می تواند شما را به برخی مراکز خدماتی عاطفی و مادی معرفی نماید، مانند گروه های کمک به خود که توسط خانواده های با وضعیت مشابه شکل گرفته اند.

- برخی گروه های حمایت از والدین در بیمارستان ها فعال می باشند. از کارکنان بیمارستان درباره این موارد سوال کنید.

- کارکنان بیمارستان می توانند به شما کمک کنند تا متوجه شوید چگونه بیماری بر رشد هیجانی و جسمانی کودک شما تاثیر می گذارد و چگونه می توانید در جهت برآورده ساختن نیازهای کودک تان تلاش فرمایید. آشنا شدن با روشهای پزشکی کمک می کند تا شما و کودک تان درباره تجربیات تکنیکهای پزشکی آمادگی بیشتری داشته باشید. کودکانی که برای اعمال پزشکی و جراحی آماده میشوند نسبت به آنهایی که آمادگی پیدا نکرده اند، بهتر می توانند خود را با بیماری و بیمارستان منطبق سازند.

- از دانش و حمایت پزشک کودک تان بهره مند شوید.

- کارکنان بخش افرادی آموزش دیده اند و اطلاعات بسیاری درباره آموزش، تغذیه، تکامل کودک، گفتار درمانی، رادیولوژی و پاسخ کودکان به واقعه بستری شدن دارند. از آنها کمک بگیرید.

- درباره قوانین متفاوت جاری در بخش های مراقبت اطلاعات مناسب را کسب کنید.

پیدا می کنند.

راهکارهای سازگاران

در اینجا ده توصیه عملی برای گذراندن مدت بستری کودک به بهترین وجه ممکن پیشنهاد میشود:

- از کارکنان بیمارستان سوالاتی بپرسید که به راحتی بیشتر شما کمک نماید.

- برای اینکه آمادگی بیشتری داشته باشید سوالات خود را بنویسید.

- برخی بیمارستان ها اجازه ساعات ملاقات بیشتری را به والدین و همشیره های کودک می دهند. از این فرصت برای رفاه بیشتر کودک و خانواده تان استفاده فرمایید.

- سعی نکنید کامل باشید. اشکالی ندارد اجازه بدهید کودک تان بداند شما ناراحت هستید. این امر نشان می دهد که شما به او اهمیت می دهید.

- مهم است که نسبت به تجربیات کودک از وضعیت بیماری و اقدامات بهداشتی درمانی لازم حساس و صادق باشید.

- نگهداری يك کودک در بیمارستان مسئله ای پرتنش و ناکام کننده است، اما سعی نکنید تنش و ناکامی خود را سرکارکنان بیمارستان و دیگران تخلیه کنید. از هنر ارتباط آرام و مودبانه بهره بگیرید.

- درباره شرایط روزمره، همینطور آداب و رسوم مذهبی و اخلاقی خانوادگی که لازم است کودک شما رعایت کند به کارکنان اطلاع بدهید.

- از این که پیشنهاد کمک دیگران را بپذیرید معذب نشوید. لازم است اکنون و بعدها نیز به خودتان مرخصی کوتاهی بدهید.

- اگر لازم شد درباره ی احساسات تان با يك دوست یا يك فرد حرفه ای صحبت کنید.

- به خاطر داشته باشید، شما مهم ترین منبع حمایت کودک تان هستید.

زمانی که لازم است کودکان جهت دریافت اقدامات طبی در يك بیمارستان بستری شوند احساسات و واکنش های طبیعی مثلاً نگرانی یا عصبی بودن ممکن است مانع عملکرد مناسب والدین در این شرایط غیرطبیعی بشود. برخی از عواطفی که به صورت شایع در والدین کودکان بستری گزارش میشود عبارتند از:

- احساس سوگواری از بابت از دست دادن تسلط بر اوضاع عادی زندگی کودک و خانواده.

- اضطراب از اینکه نمی دانند چه پیش خواهد آمد یا معانی اصطلاحات پزشکی چیست.

- سرپوش نهادن بر احساسات خود به منظور تمرکز پیدا کردن بر حقایق پزشکی، که در نهایت به انفجار عاطفی آنان منجر خواهد شد.

- خشم ناشی از احساس درماندگی، که گاهی به صورت اختلاف با همسر، کارکنان بیمارستان یا سایر فرزندان آشکار می گردد.

- سرزنش کردن همسر، پزشک، بیمارستان یا حتی کودک به خاطر بیماری اش، به عنوان شیوه ای که از احساس فرد به عنوان يك والد حمایت می کند.

- فراموشکاری، بدفهمی یا سو تعبیر، چرا که تنش درونی انسان بر توانایی گوش سپردن و درک کردن او اثر می گذارد.

- خود سرزنش گری: این فکر که، باید از کودکم بیشتر مراقبت می کردم، یا کیفیت خود یا دیگری را به عنوان يك والد زیر سوال بردن.

- ناتوانی در تحمل ناکامی ناشی از گریه، خواب مختلف و رفتارهای تغییر یافته کودک مانند شب ادراری و قشقرق راه انداختن.

- افسردگی، به خصوص وقتی بحران پایان می یابد. گاهی والدین از سلامت خود غافل میشوند و پس از مدتی احساس خستگی شدید ذهنی و جسمی

از رویا سروش

جشن نوروز ۱۳۸۵

به پیشواز خجسته نوروز باستانی، جشن ویژه بی به ابتکار "پامیر" کانون سرتاسری پناهندگان افغان در هالند و انجمن افغانهای مقیم امستردام و اطراف آن، در یکی از سالون های مجلل شهر Beverwijk برگزار گردید. ساعت ۶ شام روز یکشنبه ۱۹ فبروری ۲۰۰۶ شاهد ورود بیش از ۵۰۰ هموطن عزیز در این جشن بودم. علاقمندی شرکت کنندگان به حدی بود که حتی در سالون به اصطلاح جای پای نبود و بسیاری از هموطنان ما ایستاده پا برنامه نروزی را تعقیب می نمودند.

برنامه شامل پارچه های شاد موسیقی و در لابلای آن ترانه ها و سرود های دل انگیز بهاری، پارچه های تمثیلی، اتن ملی، چوب بازی هموطنان اهل هنود و توزیع جوایز برای شرکت کنندگان خوش چانس محفل بود که مورد دلچسپی و علاقمندی زیاد هموطنان ما قرار گرفت.

شرکت گروه کثیر هموطنان ما در جشن نروزی، نمایانگر آن است که مردم ما بی نهایت به فرهنگ و عنعنات پسندیده خویش باورمند و علاقمند استند و به آن عشق می ورزند. نوروز از دو جهت در مرکز توجه قرار دارد، یکی از نگاه تاریخی و فرهنگی چون نوروز یک حرکت و جنبش فرهنگی ملی است که در دل سده های با عبور از کوه و کوتل ها و موانع، سربلند و پیروز بیرون آمده و نقطه ایست که وحدت ملی و فرهنگی مردمان کشور ما در آن تجلی و تبلور یافته است. دو دیگر این که نوروز حرکت و جنبش طبیعت و روز غلبه نو بر کهنه است؛ روز پویایی، بالندگی و باروری است.

بیابید نوروز را شهر به شهر، ده به ده، قریه به قریه و خانه به خانه تجلیل و از آن استقبال نماییم و آن را به یک حرکت و جنبش بزرگ ملی و فرهنگی مبدل سازیم و برای خفاشان ظلمت پرست اعلام نماییم که ابر های تیره و تار زودگذر اند و خورشید زنده و جاودان بار دیگر از شرق طلوع می نماید.

هر روز تان نوروز، نوروز تان پیروز**حضور دوباره جنگل**

سالار عزیزپور

بیا دوباره از آن انتظار قصه کنیم
ز شهر عشق و شب یک هزار قصه کنیم
ز ذهن سبز و حضور دوباره جنگل
ز پای دار و از آن اوج دار قصه کنیم
ز "کاج ها بلندی که ایستاده" می مانند
ز سروی قامت آن ماندگار قصه کنیم
ز راهیان فرازین خانه خورشید
ز عاشقان سراسر نگار قصه کنیم
در این خزان سترون زباور فردا
ز روح سبز و سرود بهار قصه کنیم
به شاد خوانی آن بلبان نروزی
به روز نو به نوای هزار قصه کنیم

جشن نروزی

خلیل الله فقیری از پشاور

باد نروزی بیامد ابر و بارانش به خیر
عطر گل ها می وزد از مرغزارانش به خیر
دشت و دامان لاله گون و جلوه خونین بدن
پارچه های رنگ رنگ نوعروسانش به خیر
خواب اندر نیمه شب ها می رود از چشم من
های و هوی بلبان نغمه خیزانش به خیر
غرش دریاچه ها و رود بار نیلگون
شرشر آب روان و آبشارانش به خیر
دل چو می بینم درون سینه ام غوغا کند
سوز و ساز و نغمه های عندلیباتش به خیر
دسته دسته گل بچینم از گل باغ جنان
گل بدن می آید و با جمله خوبانش به خیر
شاد می خواهد فقیری نوجوانان جوان
مست و مستان شاد و خندان جشن دورانش به خیر

اطفال و ورزش

کلب تکواندوی افغانها در امستردام که از دو سال به این طرف فعال است، تعداد زیاد نوجوانان و جوانان افغان در آن مصروف آموزش این ورزش رزمی میباشند. اخیراً بعد از سپری نمودن امتحانات ارتقایی، سه تن از شاگردان به نام های شهیر، شعیب و زبیر که بین سنین ۸ و ۱۲ قرار دارند، به دریافت کمربند های آبی و سبز نایل شده اند که این موفقیت بزرگ باعث سرفرازی و افتخار ماست.

علاقمندان تکواندو می توانند برای فراگیری این ورزش به آدرس ذیل در تماس شوند:

Chassestraat 59
1057 JA, Amsterdam
(Lijn tram 13, 14, 12 en 7
Tel. 020 6077877



Gebroken hand

**mijn hand was gebroken
toen was ik nog maar vijf jaar de
ambulance nam mijn hand mee de film van
mijn hand was raar ik lachte om mijn
korte haar**

Laimawali10@hotmail.com

برگرداننده: لونا ولی

Laima Farhoed لیمه فرهود



**Elf jaar
de vogels waren er wel
En ze zongen veel kogels en pijn
Rozen en 32 kettingen bij elkaar
waren zij aan het lopen op
rook en geweer en stukken ijzer
wat is het verschil tussen de grote
11 september
en de kleine 11 november ?
wolkekrabbers in september
gingen mensen dood
maar in het water van 11 november
telde mijn pasgeboren ogen het
leven
11 tranen zullen ze niet
Eens hebben gehad
Maar de rest dansten
in het bad van bloed
Een viercouplet vormen
wij met zijn allen**

یازده سال
من نبودم مگر
پرنندگان پرواز میکردند
و گلوله و درد میخواندند
۲۲ گلاب و ۳۲ زنجیر
با هم

روی دود و تفنگ و توته های آهن
راه میرفتند

چیست فرق بین ۱۱ سپتامبر کلان
و ۱۱ نومبر خورد؟

در برج های سپتامبر
که مردم می مُردند

مگر در آبهای نومبر

چشمهای تازه زندگی را حساب می کردند
۱۱ اشک آنها نداشتند

مگر دیگران در حوض خون می رقصیدند
ما همه یک چار پاره استیم.

NEHAL 6e Nu. 2e Jaargang, Maart 2006

Educative en Informatieve Kwartaal Tijdschrift voor Afghaanse Kinderen in het Buitenland



نقاشی ها از احمد عزیزیار <http://www.azizyar.com>

